

رود بر شهیدان سر فر از دانشگاه

صفحه ۶

باشکرت رفیق تقی کی منش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد:

هر اسم بزرگداشت خاطره شهدای ۱۶ آذر

□ جنبش دانشجویی ایران باید بیاتگر وحدت نیروهای جوان دانشجوی مبارزه ضد امپریالیستی باشد
□ برای رسیدن به حزب توده ایران، راه دشواری را طی کرده ایم

دوستان مصطفی بزرگنیا از زندگی و رزم او میگویند

صفحه ۲



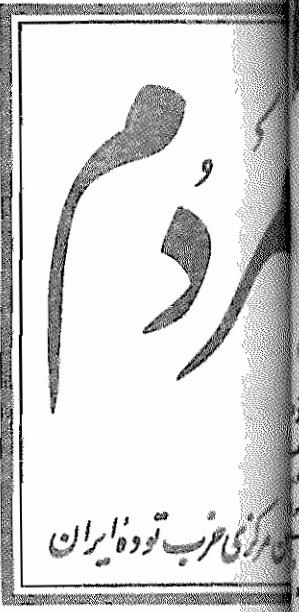
مصطفی بزرگنیا



مهدی شریعت رضوی



احمد قندچی



شیر پاستوریز

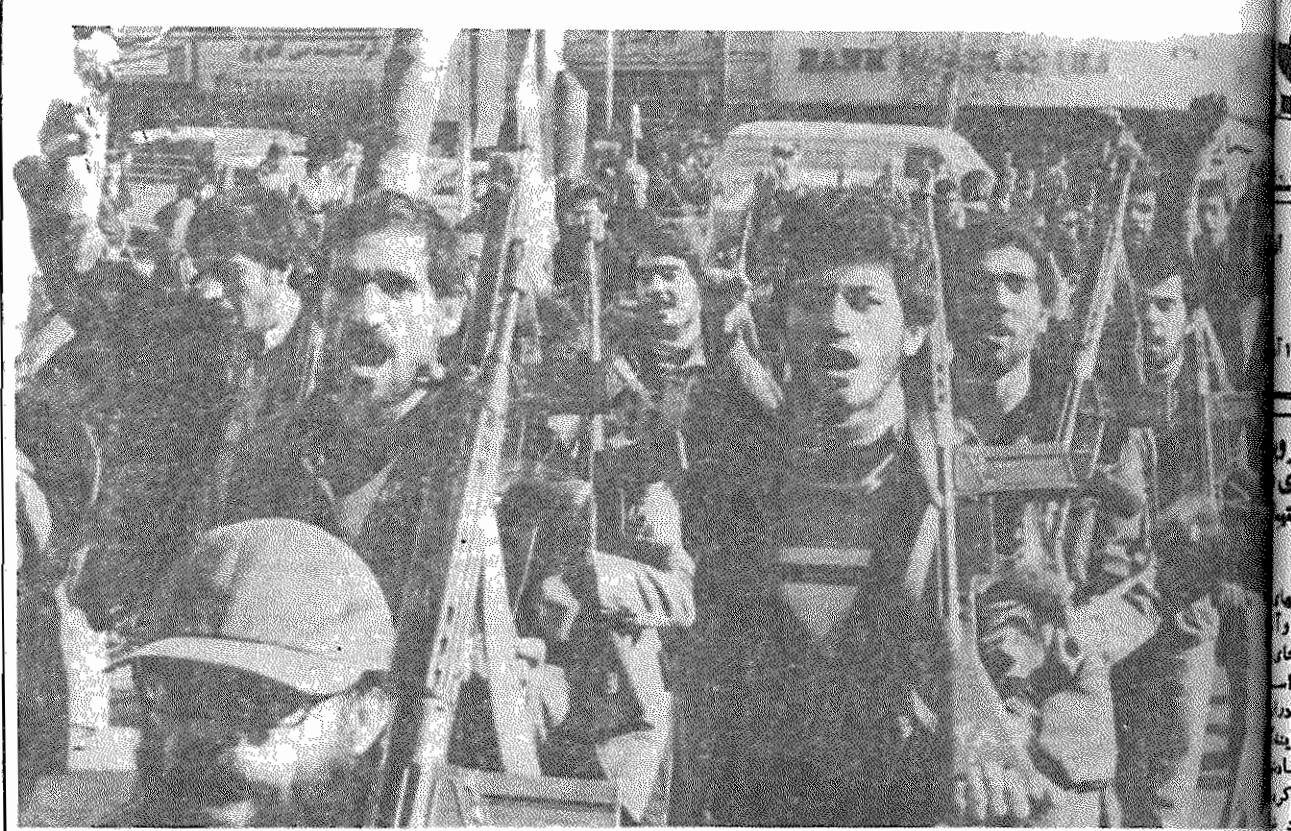
شماره ۱۱۰، سال اول، شماره ۱۱۰
آذر ۱۳۵۸ - شماره ۱۰، دیال

راودا: خواست ملت ایران برای استرداد شاه، منطقی است

توسل آمریکا به نیروی قهریه علیه ایران نقض خشن موازین حقوق بین المللی است

صفحه ۲

که رفیق لئونید پرژنف گفته است: کشور ما با مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران از سوی هر کس، به هر شکل و به هر بهانه ای مخالف است. این روش اتحاد شوروی، تغییر ناپذیر است



نموده ای مردم در مقیاس ایران هر روز علیه امپریالیسم هار آمریکا فروزانتر میشود. لانه جاسوسی آمریکا همچنان در شعارهای حماسی مردم ما، که در آن امپریالیسم یانکی را اشاء و محکوم می کنند و برای ادامه مبارزه با آن پیمان می بندند، غرق است. آن مختلف مردم همچنان در هجوم بی امان خود، به لانه جاسوسی دشمن اصلی خویش می آیند و بارهبر انقلاب میثاق می بندند و اسلحه آمریکای خونخوار را در ایران ریشه کن کنند.
مکن صبح دیروز از مقابل لانه جاسوسی آمریکا گرفته شده است. پاسداران، این فرزندان خلق، که پس از پیروزی انقلاب جامعه ما را تابانار خون خویش از دستاوردهای انقلاب دفاع کنند، چون دیگر مردم ما، برای چندمین بار به مقابل لانه جاسوسی میروند و در فریادهای خود پیمان نبرد با رهن بین المللی، امپریالیسم آمریکا، می بندند.

برای: مصطفی بزرگنیا
احمد قندچی
و مهدی شریعت رضوی

به یاد ۱۶ آذر ۱۳۳۷

ز بال سرخ قناری...

هجوم غارت شب بود، خون گرم شفق
هنوز می جوشید،
هنوز پیکر گلگون آفتاب شهید
بر آن کرانه دشت کبود می جنبید،
هنوز برکه فمگین به یاد می آورد
پریده رنگی روزی که دمبدم می کاست...

تو با چراغ دل خویش آمدی بر بام
ستاره ها به سلام تو آمدند:
سلام!
سلام بر تو که چشم تو گاهواره روز،
سلام بر تو که دست تو آشیانه مهر،
سلام بر تو که روی تو روشنائی ماست!

سلام بر تو که از نور داشتی پیام!
تو چون شهاب گذشتی بر آن سکوت سیاه،
تو چون شهاب نوشتی بخون روشن خویش
که صبح تازه ز خون شهید خواهد خاست.
ز بال سرخ تو خواندم در آن غروب نفس
که آفتاب، رهاگشتن قناری هاست.

تهران، آذر ۱۳۵۸
ه.ا. سایه

زندگام انسان
استعمار کرد

چنین یکی از
اد سخنانی در مورد
بمنوان یک مبارز

ز خشونت
بوده است
انه - جرج بوئر
کرد که این سازمان
نت استفاده میکند
یاسی خود را بر پایه
اسلامی، ۱۲ آذر

از کیهان - ۱۳
روزنامه کیهان، ۱۳

سندوستان ارو
ی از ابتکارهای
اد شوروی پشت
کنند

نمایندگان جنبه
ه، بلژیک، هلند و
ن در اجلاس طرح های
ی ناتورا در مورد اس
کهای تازم آمریکایی در
بد کردند. این نماینده
بادهای اخیر اتحاد
بال نمودند و تاکید کرد
رهای صلح اتحاد
اند آغازی برای پایه
باقیه تسلیحاتی و دست
ملاص باشد.

«مردم»
ارگان مرکزی
حزب توده ایران
خیابان ۱۶ آذر
ن. ۲۲۸۹۳۳۲۵۹
جاب، کبریان

تهدیدات با ابدان نظم نظام محفد شود

مراسم تجلیل از خاطر شهدای ۱۶ آذر در دانشکده فنی تهران



گوشه‌ای از مراسم بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر - در سمت راست عکس، رفیق قلی‌منش، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در حال سخنرانی دیده می‌شود

دربست و ششمین سالگرد آن روز خونین آذرماه، که در آن سینه‌های گریه‌بار دانشجوی توده‌ای مصطفی بزرگ‌نیا، شویب رضوی و یک دانشجوی مدنی، احمدقندی در دانشکده فنی تهران آماج گلوله درخیمان شاه متغور و وابسته مامور ایالتی گرفت، بدعت سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران رسمی در آملی تا تاریخ دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزیدند.

در این مراسم پرشکوه یادشماره در شماره‌ها و شمرا گرامی داشته شد و کسانی که ۲۶ سال بعد از شهادت سه مبارز میهن دوست، در همانجا که آنها بخون خویش غلغله بودند اجتماع کرده بودند، با انقلاب و با خلق همپا هستند که مبارزه برای ریشه کن کردن امپریالیسم را تا آخرین قطره خون ادامه دهند.

در این مراسم ابتدا پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به مناسبت روز ۱۶ آذر قرائت شد. آنگاه پیام دانشجویان توده‌ای دانشکده فنی، خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران قرائت شد، که در آن از جمله گفته شده بود:

رفقا، ما به آسانی به حزب خویش دست نیاخته‌ایم، برای رسیدن به حزب توده ایران راه دشواری را طی کرده‌ایم، برخی از ما سالها دستکلاخا و بیراهه‌های مشی چریکی سرگردان بودند، ییشتاد و نه‌ای ضد توده‌ای آنان مانع از آن شده بود که بتوانند سرعت به صفوف پرولتاریای ایران و حزب پر افتخار آن بیوندند. برخی دیگر مدتها در گردابهای خرافات مائوئیستی و شبه مائوئیستی غرق شده بودند.

اما اینکه بسیار شادمان و مفتخریم که سرانجام مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پر لتری را در حزب طبقه کارگر ایران شناختیم. به این چشمه جوشان زندگی و سوسیالیسم دست‌یافتیم و اینکه هم‌صمیم گام‌های پیش‌درآرمان والای طبقه کارگر بپوشیم و در راه دانشجویی را با جنبش طبقه کارگران و توده‌ها پیوند دهیم.

رفقا ما در این روز شهیدان دانشجو، با حزب خویش همپا می‌نماییم که همواره پارچه‌های حریفان و قاتلان باقیمانده را بر زمین می‌کشد و پر افتخار جنبش کمونیستی و کارگری در همه‌جا راه، که از حیدر عمو اولی‌ها، ارانی‌ها، روزبه‌ها، تیزاب‌ها نبل به نسل و دست به دست بطور حماسه‌آفرینی برافراشته نگه داشته شده، همراه سایر زندگان توده‌ای با دستهای جوان خویش پاسداری کنیم، ماسو گندمی خوریم که تا آخرین قطره خون خویش و در راه آرمان‌های این چهره‌های تابناک همپیمان مبارزه کنیم. ما با ایمان پر شور و دردمند به طبقه کارگر و حزب پر افتخار آن، خواهیم خوشی که در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی جنبش دانشجویی بپوشیم و دانشکده را به یکی از گردانهای رزمنده انقلاب، نمونه‌ای از تجلی جبهه متحد خلق تبدیل سازیم.

این استاد در مدارح مبارزه داندنه‌تر کرد و به اتفاق آراء تصمیم گرفتیم که مبارزه علیه تهدیدنامه را تنها با نیروی خود ادامه بدهیم. همین عمل‌ها، که یک تنه برای دفاع از آزادی در دانشگاه و حقوق دمکراتیک همه دانشجویان بار مبارزه را به دوش کشیدیم و دهها نفر از بهترین رفقای ما از دانشگاه اخراج شدند، تحسین و احترام دانشجویان را برانگیخت. در مقابل دهها اخراجی، صدها نفر به صفوف حزب پیوستند.

گواه بلافاصله، آن، دموستراسیون عظیمی بود که به ابتکار ما در ۱۴ بهمن ۲۷ علیه شرکت غاصب نفت جنوب برای استیفاء حقوق ملت ایران در خیابان‌های تهران به راه افتاد، که قاطبه دانشجویان در آن شرکت کردند. درست است که فردای آن روز در ۱۵ بهمن ۲۷، با استفاده از تیراندازی نافرجام به شاه خائن ارتجاع و امپریالیزم انگلستان، که از مدت‌ها پیش نقشه‌های فرتونی کردن حزب توده ایران را طرح می‌کردند، آن داعمی ساخته و سبایه‌شوم استبداد سفیرا بر تمام کشور و از جمله دانشگاه تهران گسترده، اما دانشجویان آگاه و مبارز و در پیشانی آنان توده‌های دانشگاه لحظه‌ای از مبارزه دست نکشیدند. این مبارزات منجر به تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران گردید، رفیق امیر خسروی در پایان سخنان گفت، یکی از مهم‌ترین نقش‌های حزب توده ایران در دانشگاه، تفضیلات و آندیشه‌های سوسیالیزم علمی در میان دانشجویان، توده‌ای و خلقی بار آوردن آن‌ها و تربیت کادرهای انقلابی، میهن پرست و آگاهی بود که فرامی‌یابستی در ادامه امور کشور و مبارزات سیاسی خلق ما شرکت کنند. چنین وظیفه‌ای امروز هم در مقابل ما قرار دارد.

به دنبال آن، یکی از افراد خانواده شهید توده‌ای مصطفی بزرگ‌نیا سخن گفت و بعد از خواندن شعر دیگری، یکی دیگر از دانشجویان درباره ۱۶ آذر سخن را ندوبه تحلیل کوتاهی از جنبش دانشجویی برداخت.

آنگاه رفیق قلی‌منش، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، که در زمان حمله درخیمان به دانشگاه تهران در روز شانزدهم آذر ۱۳۳۲، افسر بازرجوی فرمانداری نظامی تهران و یکی از افسران بود که مأموریت رسیدگی به حادثه خونین ۱۶ آذر را داشت، در میان غریب و احساسات حاضران و شگفت، درود بر کمیته مرکزی حزب توده پست میکروقت قرائت کرد.

رفیق قلی‌منش، که ۲۵ سال از زندگی خود را در زندان‌های شاه‌خائن گذرانده و یکی از فاتحان اسارتگاه‌های شاه مخلوع است، در بخشی از سخنان خود گفت: من در آن زمان با درجه ستوانیکمی با سمت بازرجوی در فرمانداری نظامی خدمت میکردم و افتخار عضویت در سازمان نظامی حزب توده ایران را داشتم، و یکی از کسانی بودم که برای بازنده اوضاع دانشگاه فنی و رسیدگی بوضع دستگیرشدگان، بعد از رانه ۱۶ آذر مأمور شدم. وقتی به من دانشگاه فنی وارد شدم، با صحنه‌های دلخراش و غیر قابل تحمل روبرو شدم.

تمام کف کرد و در دانشگاه با خون بهترین جوانان رزمنده توده‌ای وطن ما گل‌گون شده بود. بعد از یادگان چی رفتم در حدود سی و چند نفر از دانشجویان را در یکی از اتاق‌های خیلی کوچک و کثیف زندان یادگان زندانی کرده بودند پس از بازرجویی آن‌ها و همچنین تحقیق از معاون وقت دانشگاه فنی که وی نیز در بازداشت بسر میبرد، همه را آزاد کردم.

رژیم کودتا با هجوم وحشیانه به دانشگاه در آذر ۱۳۳۲ میخواست دانشگاه و نسل جوان دانشجویی را موعوب خود سازد و محیطه دانش و علم را به حمایت بی‌چون و چغرای خود وارد نماید.

اما کودتاجان، همانطور که در سطح جامعه با آرزوی خود نرسیدند، در محیط دانشگاه‌ها نیز با شکست و ناگامی توطئه‌های خود مواجه شدند.

رفیق قلی‌منش سپس گفت: «حزب توده ایران طی تمام سالهای فعالیت علنی و پنهانی خود آنی از توجه به حفظ و تقویت جنبش اصیل دانشجویی ایران غفلت نوزیده است. حزب ما همیشه بر این نقطه نظر بوده و هست که جنبش دانشجویی ایران با حفظ اصالت خود، نقش مهمی را در پیشبرد جنبش ملی و دمکراتیک مردم ایران ایفا خواهد نمود. صحت این دید و نظرا اکنون بصورت شرکت فعال اقتصاد دانشجویان ایران در صنف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی تأیید میگردد. حزب توده ایران جنبش دانشجویی ایران و نقش دانشگاه‌ها در مبارزه ضد امپریالیستی و با خطر نبل به هدفهای انقلاب خلقی را همگامی در چهارچوب منافع گروهمی و متعلق به قشر طبقه خاصی تلقی نکرده است. حزب ما جنبش دانشجویی ایران را با در کلاه خود و اینکه این جنبش مبارزه با مراحل تکاملی انقلاب ایران باید با نگر وحدت کلیه نیروهای جوانان در مبارزه

سپس یکی از دانشجویان دمکرات درباره نقش جنبش دانشجویان در نهضت رفاهی بخش‌های ملی سخن گفت. بعد از آن شمر «آنها ستن» بودند، قرائت کردید.

در این هنگام رفیق خسرو امیر خسروی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، پشت تریبون قرار گرفت و در بیان مبارزات دانشجویی از جمله اظهار داشت:

«دانشکده فنی به ستاد توده‌ای ما معروف بود. در این دانشکده استادان به ما می‌گفتند که دانشجویان باید هر چیز را زیر سؤال قرار دهند و علمی فکر کنند. ما هم همان کار را کردیم و رژیم منحوس پهلوی و حاکمیت فئودال‌ها و سرمایه‌دارها را زیر علامت سؤال گذاشتیم و برای از میان بردن آن و ایجاد ایرانی آزاد و آباد مطلقا راه حزب توده ایران را انتخاب کردیم. حزب توده ایران از همان آغاز به اهمیت و نقش روشنفکران و بخصوص دانشجویان پی‌برد و از همان آغاز با مبارزه انقلابی دست به فعالیت تبلیغاتی و تشکیلاتی گسترده‌ای در میان آنان زد. بزودی صدها و صدها جوان دانشجو به حزب توده ایران پیوستند و عده‌ترین تشکیلات سیاسی و از جهاتی تنها سازمان فعال در دانشگاه را بوجود آوردند.»

رفیق امیر خسروی گفت: «پیش می‌آمد که گاه بار مبارزه برای آزادی در دانشگاه و دفاع از استقلال دانشگاه فقط به دوش دانشجویان توده‌ای نمی‌افتاد، به خاطر دارم وقتی که مبارزه علیه تهدیدنامه در سال تحصیلی ۲۷-۲۸ آغاز گردید، پس از آنکه گردانندگان دانشگاه زیر فشار نیروهای ارتجاعی در دانشگاه از نام نویسی دانشجویان و حضور آنها در کلاس‌ها جلوگیری کردند و صف متحد درهم شکست، تقریباً تمام دانشجویان، جز دانشجویان توده‌ای، به امضاء تهدیدنامه نذر دادند. آنوقت دوران بهنداشت شکست جنبش آزادی‌بخش در کستان بود. حقیقت و وفاداری بود و نیروهای توده‌ای به ۲۰ نفر نسی‌رسید و تازه جان گرفته بود.

بر خورد ما نسبت به تهدیدنامه کمک بزرگی به‌رشد ما بود. به خاطر دارم که یک جلسه عمومی از دانشجویان توده‌ای در کلوب مرکزی حزب توده ایران در خیابان فردوسی تشکیل شده بود. موضوع جلسه بررسی ادامه و اقطاع مبارزه تنها با آنکه به نیروی توده‌ای بود. عناصر متزلزل روی این اصل که مبارزه تنها با قیام ندارد، استدلال می‌کردند که امضاء تهدیدنامه را توصیه نمی‌کردند. در این موقع بود که رفیق کهاووری پشت تریبون رفت و با اشاره به تابلو نقاشی بزرگ از ارانی نقی، که در گوشه سالن بود، فریاد کشید:

«روزی که ارانی مبارزه علیه رژیم رضاخانی را آغاز کرد، یک نفر در مقابل ۱۵ میلیون نفر بود، ارانی از تنهایی خود نهراسید، مبارزه را آغاز کرد و کسی بینیم که امروز دهها هزار ایرانی راه ارانی را ادامه می‌دهند.»

پرواوا: خواست ملت ایران برای استرداد شاه مخلوع، منطقی است

سازمان ملل متوجه به اتفاق دیگر اعضای این شورا مسئولیت عمده حفظ صلح را به عهده دارد، اکنون در ماحیت امر دست به شانتاز در مورد یک کشور مستقل دیگر می‌زند. محافل میمنه در آمریکا بجای اینکه الگوئی از بردباری و خونسردی و درک مسئولیت در این اوضاع و احوال باشند و سعی خود را برای یافتن راه عاقلانه خروج از این وضع در چندین کشور کنند و بر احساسات خود کاملاً تسلط باشند، بدیدم بیشتر تمایل به استفاده از قدرت می‌شوند. اما می‌کنند که این اقدام‌ها در مقابل گروگان گرفتن کارکنان سفارت آمریکا در تهران، که با موازین حقوق بین‌المللی مقایرت دارد، بعقل می‌آید. شک نیست که اشغال سفارت آمریکا بخودی‌خود با مقاله‌نامه بین‌المللی درباره محترمشردن امتیازات و

زمان جنگ جهانی دوم تاکنون این قدر نیروهای بزرگ دریائی آمریکا هرگز در آبهای نزدیک به سواحل ایران مستقر نشده بودند. بقرار ایران بمسافرت‌های شکاری مستقر در ناوهای هواپیمابر آمریکا، که تمهیداتشان از سیمند و پنجاه فرزند تجاوز میکنند، می‌توانند به هدف‌های مختلف در ایران شریه بزنند. روزنامه واشینگتن پست می‌نویسد که این هواپیماها می‌توانند هم با بمب‌های اتمی، که قادر است نواحی بزرگی نظیر معادن نفت را نابود سازد، شریه وارد آورند و هم با بمب‌های ویژه‌ای که برخی از پالایشگاه‌ها را از کار خواهند انداخت.

میکنند به ایران اتمام حجت شود که رد آن علامت برای آغاز عملیات علنی نظامی علیه این کشور باشد. بعضی دیگر جدا اصرار دارند که در دیپلماسی آمریکا نسبت به کشور-های این منطقه از جهان تجدید نظر شود و از ضرورت بازگشت به سیاست کذائی اعمال فشار و زور دم می‌زنند، که بانسی آن شود روزولت در آغاز قرن کتونی بود. مقامات کابخ سفید به دم کتشی از جستجوی شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای رفع بحران کتونی آمریکا و ایران سخن می‌گویند و در اظهارات آنها عمل از پیش دیگر شیوه‌های عملی نظاره می‌شود که گویا آمریکا مجبور خواهد شد از این شیوه‌ها استفاده کند.

منظور از اقدامهای دیپلماتیک نمایندگان آمریکا در شورای امنیت و سازمان ملل متحد یا در دادگاه بین‌المللی، همانطوریکه روزنامه پرواوا ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در شماره دیروز خود در باره مناسبات ایران و آمریکا نوشت: مناسبات آمریکا و ایران روز بروز تیره‌تر و تشنج‌تر میشود. اقدامهای اخیر ایالات متحده آمریکا نشان میدهد که واشینگتن از قرار معلوم تصمیم گرفته است این بحران را پیش از پیش‌شدت دهد و آنرا بصورت یکی از اختلافهای جدی بین‌المللی دوران پس از جنگ درآورد. فعالیت تبلیغاتی بر ضد ایران در مطبوعات آمریکا دامنه‌های سابقه‌ای پیدا کرده است. مطبوعات آمریکا و نمایندگان کتکره روز بروز سخنان و شماره‌های جنگ‌طلبانه‌تری مطرح میکنند. خواسته‌هایی درباره مجازات، کیفی دادن بطور موثر و درس دادن به ایران مطرح میشود. برخی از نمایندگان کتکره پیشنهاد

در حاشیه
دیوارهای دانشکده فنی با شمارنده بود. روی یکی از دیوارها بر پارچه نوشته بودند: «برقرار با دجه مصدخلن» شمار دگر ای یاد خاطره تابناک نهاد می‌خورد. دیوارهای این سالن همچنین با بزرگ‌نیا، شویب رضوی و احمدقندی چهره‌های ازخسرو روزبه و افسران سازنده ایران، هوشنگ تیزابی و توجح جدید شده بود.
تمام آملی تئاتر دانشکده فنی در انجمنیت بود و بالای در ورودی سالن با بودند، وجهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیسم دانشجویان توده‌ای دانشکده فراوان حاضرین در جلسه روبرو شد و آن این دانشجویان دست‌زدند.
در زمان بزرگداشت شهدای روز مصطفی بزرگ‌نیا نیز شرکت داشتند و خودهای سخنان کوتاه درباره ۱۶ آذر را

ضد امپریالیستی و خلقی باشد و از تفرقه و عنوان و نام در صفوف خود بهره‌برد، نگر جنبش دانشجویی نیز اولویت با م انقلابی است.
رفیق قلی‌منش در پایان سخنان خود «حزب توده ایران می‌تواند اساسی امام در بستر مبارزه ضد امپریالیستی هدیفهای خلقی انقلاب را در چنین بستر جنبش اصیل دانشجویی در کشور ما، بار در خط امام» نشان میدهد که بوظیفه تار و

از سالها باین دلیل استخراج وصا جنبش اصیل دانشجویی واقف است و با آوردن، معذا مسئله تفوق این یا آن آیدئولوژی، این بار آورده است. در حاشیه مطرح نیست. مسئله عمده تحقق پیروزی سازنده و مقتدرانه مردم ایران است که شرط ضروری آن اقتدار با کتون صدور روز جبهه واحد خلق است. جنبش دانشجویی بنکه بالغ میگردد، در این مسیر میتواند به تفرقه چنین جبهه‌ای برسد. این میزان از جنبش دانشجویی ایران در گذشته‌های صادر کنند مشکلات، در مسیر تحقق آرمانهای خلق چه زودتر استخراج شبهه نیست که در آینده نیز جنبش دانشجویی استخراج و صدور نقش یعنی در جهت شمارهای عمده و اساسی برقرار گردد. لفظه کتونی در تحقیق مبارزه ضد امپریالیسم، باطن و متعین متافع مبارزه علیه تسلط امپریالیسم آمریکا، تبلات و متعین متافع خواهد کرد. جنبش دانشجویی در کشور ما تل بین‌المللی برز، برچم طرد امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امپریالیسم آ مواضع خادترگانه و ظالمانه در حیات نمود بر اغلب کشوره نظامی و فرهنگی کشور ما گرد آمده است. کشورها را به استخراج مبارز ایران، همراه خلق قهرمان، قطار اادار میسازد. تقلید حصول و پیروزی کامل خواهد آن موازین یا ماین از خنای ا زنده و جاوید باد خاطره تابناک بزرگ‌نیا و شویب رضوی و توجح و همه شهدای راه آزادی و استقلال ایران را در کشورهای نفت‌خیز برقرار و پیروز باد وحدت جنبش بدرستی خواهان آزادی عمومی خلق!

زنده باد حزب توده ایران، حزب بکتار گذارنده و به اچ کارگر ایران! پس از سخنان رفیق قلی‌منش پیام تنهای خود پیردازند. زنان ایران قرائت کردند.

در پایان، شرکت کنندگان در مراسم شهدای روز ۱۶ آذر به طرف لانه جاسوسان و جاسوسخانه آمریکا، پیمان می‌کردند.

کودلار به عنوان پول، راه پیمایان شمارهای زیر را به‌مراسم داده است. دلا پیام شهدای دانشگاه، شانزدهم آذر لترین ارزجا آمریکا

اخراج آمریکائی، تکمیل انقلاب از آنکه نرخ برابری خون شهدای ما، منتظر جواب است بین‌المللی به پیش از کالی آمریکائی، تحریم باید کرد معنی است که نرخ ذ صنایع وابسته، ملی باید گردد کرده است.

زنده باد جبهه متحد خلق ماعلیه تشکیل می‌دهد. کاملاً احساسات پولی و ممالک متکنتی در سالهای آ راه پیمایان پس از خواندن قطعه است. محاسبه ارقام بزرگترین مشکل ما در حال رشد فراهم آ، از قبل کاهش ارزش د صادرکننده نفت زیا کاملا روشن ا چاره‌ای نیست جز آ که شمتا خود یکی میدهد، وهم چنین در فراموش کرد داده شود. حل‌یکی منوط به پایان دادن

نام نویسی حزب توده
کارگران و زحمت حزب توده ایران که ما مدت ۴۵ سال است که در ایران تحصیل بین‌المللی ما را روش واشینگتن، ک ایران را در بازگرداند

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از هر باره آماده شد

نی با شماره‌های
برپاچه سفید
متحد خلق و
بنگ شهدای
چنین با تصور
هدانده چی،
ران سازمان
رج حیدری بیگ

کده فنی و سالی
ی سالن باختر
شده امپریالیست
ای دانکنده فنی
و شد آن‌ها مند

شدهای روز ۱۶
داشتند و خواه
۱۶ آذر ایران

و از تفرقه و جدا
رهیزد، تکریم
سویت با مسائل

ان سخنان خود که
شی اساسی خود
مهریالیستی تمیز
در چنین بستری
کشورما، با طرح
نه بوظیفه تاریخی

وئی واقف است که
ولوزی، این یا آن
نحق پیروزی کامل
مروغان اتحاد
بی دانستجویی کند
ن چنین جبهه‌ای که
ایران در گذشته
رماهای خلقی حز
ز جنبش دانشجویی
ای عمده و اساسی

نه ضد امپریالیست
لیسم آمریکا، تبلور
وئی در کشورما
بر کردگی امپریا
نه در حیات ان
گرد آمده است. نه
ق قهرمان، قطعاً
راشته نگاه خواهد
تا بنگ بزوفتیا، و
استقلال ایران
ادوحدت جنبش دا

به ایران، حزب
ق کمی منش پیام تشک
کنندگان در مرا
به طرف لانه جاسوس
های زیر را به همراه
شکاه، شانزدهم از
لی، تکمیل انقلاب
منتظر جواب است
تحریم باید کرد
ملی باید کرد

متحد خلق ماعلیه
در نبرد با آمریکا
در رزم با آمریکا
از خواندن قطعه
راکنده شدند.

مصونیت سیاسی
این عمل را
مناسبات آمریکا
ساخت و نباید
متحد آمریکا
فراموش کرد
موازین حقوق
ندارد.

حل مسائل گرهی کشورهای نفت خیز در حال رشد در گرو طرف تسلسل امپریالیسم آمریکاست

کشورهای نفت خیز در حال رشد مسائل گرهی حل نشده بسیاری دارند. برخی از این مسائل مربوط بوضع داخلی این کشورها و اوضاع و احوال خاص اجتماعی آنهاست، که در اینجا مورد بحث مانیت. لیکن برخی دیگر، مسائل گرهی مشترکی را در بر میگیرد، که روابط کلی کشورهای نفت خیز با دول امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا را شامل میگرد. برای حل این مسائل تاکنون تلاش بسیاری بعمل آمده، ولی بسیاری از این مسائل همچنان تا به امروز حل نشده باقی مانده است. تجربه نشان میدهد که حل مسائل گرهی کشورهای نفت خیز در گرو مبارزه مشترک آنها علیه تسلط امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم غارتگر آمریکا و انحصارات نفتی آن است.

برخی مسائل گرهی کشورهای صادرکننده نفت را، که علیه غم تلاش فراوان، تا همین امروز حل نشده باقی مانده، از نظر بگذرانیم:

از سالها باینطرف، کشورهای نفت خیز در حال رشد، برای تعلق استخراج و صدور نفت بخارج و حفظ ذخایر نفتی خود کوشش بعمل میآورند، مددك این کوشش تا همین امروز نتیجه لازم به بار نیاورده است. در حالیکه قسمت مهمی از ذخایر نفتی کشورهای صادرکننده نفت بخارج صادر شده و با عمارت غارت گردیده، با این وجود هرگز نتوانسته اند ذخایر نفتی خود را به اندازه کافی بازسازی کنند. با این وجود در کشورهای نفت خیز، قسمت اعظم این نفت در کشورهای غربی مصرف میگردد. این میزان استخراج و صدور نفت بخارج با ذخایر نفتی کشورهای صادرکننده نفت هیچ تناسبی ندارد. ضروری است که هر چه زودتر استخراج نفت یابد و بین ذخایر موجود و میزان استخراج و صدور نفت نسبت متعادلی که بسود کشورهای نفت خیز باشد برقرار گردد.

مانع عمده در تریل بهینف اخیر، که بسود کشورهای صادرکننده نفت و معضن منافع حال و آینده آنهاست، ادامه تسلط امپریالیسم و بر تریل بین المللی بر ذخایر نفت کشورهای نفت خیز در حال رشد است. بر کردگی امپریالیسم آمریکا، با استفاده از تسلط سیاسی و حتی نظامی خود بر اغلب کشورهای نفت خیز، نظیر عربستان سعودی، دول این کشورها را به استخراج و صدور بیرویه مقادیر عظیمی نفت بخارج وادار میسازد. تقلیل استخراج و صدور نفت بخارج و متناسب ساختن آن با میزان ذخایر نفت و نیازهای انرژی کشورهای نفت خیز یک ضرورت اقتصادی است، که رعایت آن از سالها به اینطرف در دستور کشورهای نفت خیز در حال رشد قرار دارد. ملل کشورهای نفت خیز دستش را بر سر میزنند، که دول کشورهای صادرکننده نفت سیاستی بنی بهیتر دادن ذخایر نفت را، که امپریالیسم به آنها دیکته میکند، بکار گذارند و به اجرای سیاست حفظ ذخایر نفت از راه تقلیل استخراج و صدور نفت بخارج متناسب با نیازهای واقعی ملی کشور های خود بپردازند.

اکنون زمان اجرای چنین سیاستی فرا رسیده است. دول کشورهای صادرکننده نفت حق ندارند بیش از این در تحقق خواست ملل کشورهای خود تمیل و رزند.

از سالها به اینطرف نمیتوان گفت اکنون بدو ده تمام است. کلاد به عنوان پول ثابت بین المللی موقع و مقام خود را یکسلی از دست داده است. دلار بویژه از اواسط دهه گذشته میلادی بصورت ارز ناگزیرترین ارز جهانی در آمده و ارزش آن در برابر کلیه ارزها، بصورت قابل توجهی کاهش یافته است. هر اونس طلا، حتی پس از آنکه نرخ برابری آن ۳۵ دلار افزایش یافت، اکنون در بازار بین المللی به بیش از ۴۳۰ دلار خرید و فروش میشود. این بدان معنی است که نرخ دلار در برابر طلا ۱۲ تا ۱۳ برابر کاهش پیدا کرده است.

معاملات نفت در بازار گانی بین المللی بزرگترین رقم را تشکیل میدهد. کاملاً روشن است که تعیین قیمت نفت به دلار و انجام مسايات پولی و مالی آن با چنین انداز متزلزل و غیر قابل اتکی، چندی از معانی در سالهای گذشته به کشورهای صادرکننده نفت واد ساخت است. محاسبه ارقام این زیانان حتی با ماشینهای کامپیوتری هم کار سگی است. ادامه تعیین قیمت نفت و دریافت بهای آن با دلار بزرگترین مشکل مالی و اقتصادی را برای کلیه کشورهای نفت خیز در حال رشد فراهم آورده و میآورد. همه ساله دهها میلیارد دلار تنها از یک بخش ارزش دلار در برابر ارزش ارزهای دیگر به کشورهای صادرکننده نفت زیان واد میآید.

کمال روشن است که برای پایان دادن به وضع ناپسند اخیر دههای نیست جز آنکه به تسلط دلار بعنوان تعیین کننده قیمت نفت، که فقط خود یکی از مواد قراردادهای امتیازی نفت را تشکیل میدهد، و همچنین دریافت بهای نفت به دلار بیکار برای همیشه پایان داده شود. حل یکی از مسائل گرهی کشورهای نفت خیز در حال رشد بسط و پایان دادن تسلط دلار بر معاملات نفتی است. قبول تصمیمی در این باره، بویژه در کشورهای نفت خیز در حال رشد، باید همراه با اقدامات دیگری باشد که به ایجاد یک بازار مشترک جهانی نفت خیز منتهی گردد.

این زمینه در دستور کار جلسات قبلی سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» نیز قرار داشته است. اکنون که دولت جمهوری اسلامی ایران در این باره اتخاذ تصمیم نموده، بهجاست که اجلاسیه «اوپک» با قبول تصمیم جمعی در این مورد، یکی از مشکلات عمده را از پیش پای خود بردارد.

تعیین قیمت نفت و پرداخت بهای آن با دلار در سالهای گذشته مشکل مهیگری را با خود به همراه داشته است. اهمیت مسئله اخیر از مسئله ای که در بالا بدان اشاره شد، نه فقط کمترین بوده نیست، بلکه به مراتب بیشتر است. تعیین قیمت نفت و پرداخت بهای آن با دلار موجب شده است که کلیه منابع مالی و درآمد کشورهای نفت خیز در سالهای گذشته بطور عمده در آمریکا و تماماً در بانکهای آمریکائی در سطح جهان متمرکز گردد. ذخایر دلاری کشورهای صادرکننده نفت عضو «اوپک» تنها طی شش سال اخیر به ۱۸۵ میلیارد دلار بالغ بوده و تا پایان سال جاری به ۲۳۰ میلیارد دلار میرسد. ۱۵۰ میلیارد دلار از این مبلغ متعلق بهت کشور صادرکننده نفت حوزه خلیج فارس است. مجموع این ارقام نشان میدهد که از راه تعیین قیمت نفت و پرداخت آن با دلار آمریکا چه نفع عظیمی میبرد و کشورهای نفت خیز در حال رشد چه وابستگی عظیمی به آمریکا پیدا کرده اند.

خطر وابستگی اخیر بویژه اکنون مشهود میگردد که امپریالیسم آمریکا را در نهان و بهر خلاف «وازین» اقتصاد «آزاد»، به منظور توطئه و خرابکاری علیه انقلاب ایران، دارائیهای ارزی ایران را نه فقط در خود آمریکا، بلکه در کشورهای غربی نیز ضبط نموده است. از جانب سران کشورهای نفت خیز در حال رشد بسیار خامی خواهد بود، که پس از چنین رفتار درازنانه ای از جانب امپریالیسم آمریکا، همچنان ذخایر پولی خود را در بانکهای آمریکا نگاه دارند و از تعیین بهای نفت و پرداخت قیمت آن با دلار جانبداری کنند. تاگته پیداست که طرف دلار از معاملات نفتی و دریافت بهای نفت به ارزهای جانشین و خارج ساختن ذخایر پولی و مالی متعلق به کشورهای نفت خیز از آمریکا و بانکهای آمریکائی از مسائل گرهی دیگر است، که به منظور حفظ سلامت اقتصاد و مالیه کشورهای نفت خیز باید بدون درنگ تصمیمات لازم در باره آن اتخاذ گردد و به اجرا گذاشته شود.

مسائل گرهی کشورهای نفت خیز در حال رشد تنها به مسائل تقلیل استخراج و صدور نفت، طرف دلار از معاملات نفتی و خارج ساختن ذخایر ارزی کشورهای نفت خیز از بانکهای آمریکائی محدود نمی شود. کشورهای نفت خیز در حال رشد در ارتباط با ادامه غارتگری و تجاوز امپریالیسم آمریکا با خل سریع یکسری مسائل و مشکلات گرهی مهیگری نیز مواجه هستند. طرف تسلط انحصارات نفتی آمریکا از راه لغو قراردادهای امتیازی نفت، طرف اعضا و کارگزاران و انحصارات عمده آمریکائی، از بازرگانی بین المللی و اقدام مستقل به فروش نفت در بازار جهانی، کوشش به منظور توسعه همه جانبه صنایع نفت، بویژه اقدام به تولید و صدور فرآورده نفتی و پتروشیمی، توسعه فعالیت شرکت های ملی نفت در زمینه حمل و نقل و بازرگانی مواد نفتی و دهها مسائل دیگر مشکلات گرهی کشورهای نفت خیز در حال رشد هستند، که باید سریاً به محل آنها پرداخت. تجربه در گذشته ثابت کرده است که حل همه این مسائل در گرو طرف امپریالیسم، در نوبه اول امپریالیسم آمریکا و انحصارات نفتی غارتگر آن از تسلط بر ذخایر و صنایع نفت کشورهای نفت خیز در حال رشد است.

تأقیل از انقلاب عظیم ایران و استقرار جمهوری اسلامی در کشورما، یعنی هنگامیکه رژیم دست نشانده سلطنتی به مقدرات نفت ایران حاکم بود، اوضاع و احوال در جهان نفت بزیان تسلط امپریالیسم و بسود استیقای حقوق ملل در نفت تغییر یافته بود. پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی در کشورما ایران، تناسب قوا را در عرصه مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و کارتل بین المللی بر ذخایر و صنایع نفت کشورهای نفت خیز بطور فاحشی تری تغییر داده و می دهد. اکنون میتوان از وجود شرایط مساعد عینی بین المللی برای استیقای واقعی حقوق کلیه کشورهای نفت خیز سخن گفت. در این شرایط طبیعی است که سر نوشت مبارزندان نه مخالف امپریالیستی غرب و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و انحصارات غارتگر نفتی آن، بلکه خود کشورهای نفت خیز در حال رشد، اتحاد ملل آنها و پشتیبانی آنان از مبارزات ضد امپریالیستی یکدیگر تعیین می کند.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» در ۲۶ آذرماه، پس از قریب دو هفته درگیری با یکی از جلسات مهم خود مواجه خواهد بود. اگر نه همه مسائل گرهی این سازمان، ولی میتوان انتظار داشت برخی از این مسائل، نظیر تعیین سهم نفت و تقلیل استخراج و صدور نفت، طرف دلار از معاملات نفتی و اتخاذ تصمیمات مشترک علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا بحقوق کشورهای نفت خیز، بویژه دفاع از انقلاب ایران در برابر تجاوزات آمریکا، حل مثبت خود را در این اجلاسیه پیدا کند.

نیروی عظیم انقلاب راستین ایران پشتوانه تحصیل پیروزی های بزرگ در مبارزه همه ملل کشورهای نفت خیز در حال رشد به منظور طرف تسلط امپریالیسم و استیقای حقوق ملی در نفت است. «اوپک» اکنون میتواند و باید با اطمینان خاطر پیروزی انقلاب ایران را در محاسبات خود در نبرد قاطع علیه غارتگر ان امپریالیستی نفت منظور دارد. مردم ایران و دولت جبهه‌وزی اسلامی پشتیبان واقعی چنین نبردی هستند.

وضع اسفناک مدارس در نازی آباد

وضع ساختمانی بسیاری از مدارس تهران، بخصوص در جنوب شهر، به حدی اسفناک است که اگر هر چه زودتر چاره‌ای برای آنها اندیشیده نشود، با فاجعای پیشامدی روبه رو خواهیم شد.

اخیراً در یکی از این مدارس (مابین فلکه اول و دوم نازی آباد) که پس از انقلاب نام آن به ۲۱۰ بهمن تغییر یافته، جاه فاضلابی باز نشده، که یکی از بچه‌های مدرسه را در کام خود کشید. خوشبختانه این کودک مصوم بهیاری دوستانش از مرگ نجات یافت. ولی مسئولان به جی جی چاره‌اندیشی اساسی، شاگردان این مدرسه را به مدارس نامناسب تری منتقل کردند.

جای تعجب است که مسئولان آموزش و پرورش ماهیانه ۸ هزار تومان به صاحب این ساختمان، که دارای چند ساختمان مشابه نیز هست، کرایه میدهد.

این مدرسه که در نازی آباد واقع است، بقدری کوچک است که بچه‌ها در آن جای تکان خوردن ندارند. در کلاس های ۳ در ۴ متری، ۶۰ تا ۷۰ دانش آموز در هم فشرده شده‌اند، بطوریکه بسیاری از این کودکان مجبورند روی زمین و یا روی پای یکدیگر بنشینند.

آیا وقت آن نرسیده است که مسئولین مملکتی به این موضوع حیاتی توجه کنند؟

آیا راست است که؟

فتح الله رهبری نژاد، مدیر کل طاقوتی همکار ساواک، اکنون نیز مدیر کل شب بانگ تعاون کشاورزی ایران در استان خوزستان است؟

چند روز پیش در دبیرستان دخترانه منعم، واقع در چهل و پنج متری میدان تهران، تصدای از دانش آموزان شروع به خواندن سرود شاهنشاهی کردند، که خشم و عاصیانیت اکثریت آنها را خاموش ساخت؟

اداره آموزش و پرورش استان فارس از پذیرش داوطلبان زن برای تدریس در رشته های فنی خودداری میکند؟

اداره فاسدی برای استخدام آموزگار در دبیرستانها، با پذیرفته شدن مصاحبه شفاهی ترتیب میدهد، که بیشتر به تنقیص عقاید شباهت دارد؟

رقفای ازجمند کمیته مرکزی حزب توده ایران

آغاز سی و نهمین سال فعالیت حزب توده ایران و انتشار مجدد روزنامه «مردم» رابه شما وهمه اعضا و هواداران حزب تبریک می گوئیم.

پیمان یبندیسیم که پرچم پر افتخار حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران، از بدو بدترین انتساب‌های ناپسند و بدترین میهن پرستان - داژدست فرونهمیم.

دانشجویان دمکرات پلی تکنیک تهران

مشکلات اقتصادی چین

سیاست اقتصادی مائوتسیتسی اثرات فلاکت بار خود را در چین نشان میدهد. قراردات بزرگی سیل کارگران چین به اروپای غربی سرانبرشوند. مقامهای رژیم پکن مقدمات صدور نیروی کار ارزان به کشورهای اروپای غربی، از این و خاورمیانه را در مقابل دریافت ارز خارجی آغاز کرده‌اند. تشریه کریچمن سائیس مائیتور می نویسد که سدها هزار کارگر نیمه ماه و غیر ماه چینی، که در واحدهای بزرگ گرد آوری شده‌اند، برای کارهای ساختمانی راهی کشورهای خارجی میشوند. به نوشته این تشریه، دولت چین درباره شرایط کار این کارگران با شرکتهای خارجی مذاکره کرده است و هشاد در دستمه این کارگران به خزانه دولتی سرانبر خواهد شد. مقامهای مائوتسیتسی چین برای هر کارگر بطور متوسط ماهیانه سهمد تا پانصد دلار دستمزد تعیین کرده‌اند که از دستمزد متوسط در بسیاری کشورهای غربی بسیار کمتر است.

کالای آمریکائی نخریم!

با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید.

خود برای این دوران محرومیت آماده کنیم - جامعه انقلابی خویش را با روح قناعت، فداکاری و پایدردی در برابر امپریالیسم جهان فخر آمریکائی پیش ما بوس سازیم.

فرد فرد ما مصرف کالاهای آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را ارج نهم و کالای آمریکا را بسر سرش بکوبیم.

با قطع ریشه تسلط امپریالیسم بر کردگی امپریالیسم آمریکا از میهن ما، سرانجام دوران محرومیت هم پایان خواهد یافت.

اخبار کارگری

چرا از کارگران ۹ ساعت کار می کشند؟

در تمدادی از کارگاهها و کارخانه های کوچک، که کار فرمایان آنها فارغ از عملی شدن کارخانه شان فرمانروائی میکنند، کارگران از ابتدائی ترین حقوق کار محروم اند. در این کارگاهها و کارخانه ها هیچ کارگری جرأت اعتراض ندارد، زیرا بلافاصله اخراج میشود و قبل از اخراج همیشه این جمله تهدید در دوزبان کار فرماست: هزاران کارگر بیکار آرزوی یافتن کار دارند و حاضرند با مزد کمتر و حرف شنوی (زورشنوی) بیشتر همان کاری را بکنند، که شما میکنید. آنچه در زیر میخوانید، نمونه ایست از این طرز رفتار در یکی از کارخانه های کوچک تهران، که کارش تراش فلزات است و متعلق به برادران لوسانی است.

این کارخانه در جاده آملی، بالاتر از کارخانه فیلیس، روبروی کارخانه اتاق سازی آریا، قرار دارد. کار فرمای این کارخانه روزانه ۹ ساعت از کارگران کار میکند، البته بدون یک ساعت وقت ناهار، که معمول است.

در حقیقت در این کارخانه کارگران ۱۰ ساعت کار میکنند و تازه هر روز یکساعت تا یکساعت نیم وقت کارگران هم صرف طس مسیر خانه تا کارخانه میشود. اگر کارگری ۱۰ دقیقه دیرتر از موعد مقرر سر کار حاضر شود، یکساعت از حقوقش کم میشود و اگر یکروز بهر علتی سر کار حاضر نشود، دوروز از حقوقش کم میکنند، حقوقی که در ماههای گذشته گاه ۲۰ روز تا یکماه و دو ماه عقب افتاده است. سابقه کار بعضی از کارگران این کارخانه به ۱۵ سال هم میرسد. اما حقوق آنها بمدای ۱۵ سال کار حدود ۳۰ هزار تومان است، که نگاهار پرداخت آن نادو ماه مه به تنویق می افتد.

یکی از بستگان کارگری که پیش از دو سال در این کارخانه کار میکند، میگفت، حقوق فلان کسی آنقدر دیر پرداخت میشود که علاوه بر سینه خوری از تمام کسبه محل، اغلب دروه مسایه هم از او طلبکارند. بجای دینامدی ۱۲ ساعت از وقتش را صرف کار میکند (با محاسبه رفت و آمد به کارخانه) و آن وقت به دروه مسایه و کسب محل هم، پدهکار باشد!

در این کارخانه هر ۶ ساعت اضافه کار رایگروز کارحساب میکنند و بعضی از کارگران با پنج ساعت اضافه کار در روز فقط ۹۰ تومان مزد میگیرند.

درباره کارخانه آجر پزی تهران لندن بریک

این کارخانه در قریب ۴۰۰ متر مربع قرار دارد. محصول این کارخانه آجر پرس شده و حرارت دیده در کوره است. وسایل این کارخانه ماشینی و اتوماتیک است که توسط انگلیسها ساخته شده است.

کارخانه ۲۰۰ کارگر دارد (۲۰ کارمند، ۱۸۰ کارگری و عملی) که در دو شیفت کار میکنند، ولی کوره پزیشیها نیز کار میکنند، یعنی قسمت کوره پزیشی ۲۴ ساعت مشغول کار است.

سهام این کارخانه متعلق به بانک اعتبارات صنایع (۷۰ درصد)، انگلیسها، که فرادی هستند (۱۰ درصد) و ۲۰ درصد بقیه متعلق به ۲۱۰ سهامدار ایرانی است.

بملت اینکه کارخانه با خاک سرو کار دارد. گرد و خاک در محیط کار فراوان است و کارگران مبتلا به سل و سلیکوزیدین آنها دیده میشود، یعنی خواه ناخواه مبتلا به این بیماری میشوند. کسانی که با کوره سرو کار دارند، مبتلا به رم ملتحمه میشوند و معمولاً بساید مورد آزمایش قرار گیرند، که بملت عدم وجود درمان نگاه این کار صورت نمی گیرد.

کارخانه قبلاً دارای سندیکا بوده است، که آنرا منحل کرده اند. زمینه برای تشکیل سندیکا و یا شور و وجود دارد. تولید این کارخانه در روز ۵۰۰۰۰۰ عدد آجر است (البته اگر موقع عادی باشد و تمام دستگاهها کار کنند) که هر ۱۰۰۰ آجر، ۳۴۰ تومان بفروش میرسد.

حد اقل حقوق در این کارخانه از ۱۷۰۰ تومان کمتر نیست، یعنی حداقل حقوق رعایت میگردد. از جمله اقدامات کارشناس بهداشت، مجانی کردن نهار و شام است. صبحانه داده نمیشود. غذای کارخانه از کیفیت نسبتاً خوبی برخوردار است. اشکال عمده و در ضمن خطرناک این نسبتاً کارخانه ها وجود گرد و غبار زیاد، بخصوص در تابستان بملت خشکی هوا است، که تولید بیماری سل میکند و باید تدابیر جدی اتخاذ شود تا مقدار گرد و غبار را بحد اقل برسانند.

در کارخانه شیشه سازی مینا

این کارخانه در جاده مخصوص کرج، جاده فرعی بطرف دهکده المپیک قرار دارد. در حدود ۲۷۰ تا ۳۰۰ نفر کارگر دارد و محصول آن فقط بطری است، که فعلاً بیشتر برای کارخانجات نوشابه های شوئیس ویسی کولا است.

کارخانه قبلاً متعلق به ایرتس ثابت با سال بوده و فعلاً در اختیار بنیاد مستضعفین است و نماینده ای از طرف بنیاد در این کارخانه سمت مدیر آنرا دارد. همچنین کارخانه دارای شورائی است که از طرف خود کارگران انتخاب گردیده است.

این کارخانه دارای ۴ کوره است، ولی تنها یک کوره بهمت کارگران بکار افتاده و مشغول کار است. برای همین است که از لحاظ بودجه در مقیسه هستند و کمتر به رفاه کارگران میرسند. ملاحظه یوز پول ناهار از آنها کسر میشود، حق خواربار نمیدهند و شرکت تماونی آنها خالی از عوادم ضروری برای کارگران است.

در این کارخانه بعضی از کارگران میگفتند: «اگر ما مطمئن باشیم که شورا در راه رفاه کارگر قدم برمیدارد، یکسال هم حاضریم سختیها را تحمل کنیم، ولی از طرف بنیاد مقامات مسئول قدسی برداشته میشود تا کوره های دیگر نیز بکار افتد و ایجاد درآمد نماید.»

ما توجه مقامات مربوطه را به این خواست سازنده کارگران شیشه مینا جلب می کنیم.

بحث بر سر اصول را به بیراهه نکشید

در طی این دو سه هفته، که به اقتضای حساسیت اوضاع و دقایق سرنوشت سازی که بر میهن ما میگذرد، خطاب ماهیچه‌های فدائی در مقامات انتقادی و توضیحی آهنگ فعالتری یافته است، نامه‌های متعددی در این مورد، از اعضاء و هواداران فدائیان به دفتر «مردم» رسیده است. در میان نویسندگان این نامه‌ها، که لحن و قضاوت‌های کاملاً متفاوتی درباره بحث جاری دارند، غیر از آنها که تنها سراسر مایه‌شان ناسزا گوئی است، هستند کسانی که مسئله اساسی و موضوع محوری این گفتگوی ضروری و روشنگر را به عمد یا به سهو به کناری نهاده‌اند و به بهانه‌های جوئی و ایرادات ملاتقی وار به این کلمه یا آن سطر از فلان مقاله، به سائیدگی گوشه فلان نقل و قول، یا لحن بیهمان انتقاد، پرداخته‌اند و این جزئیات فرعی و حاشیه‌ای را چنان پررنگ و حاد جلوه داده‌اند که اصل قضیه بیرون کشیده و یاحتی لوپ شده است. برخی نوشته‌اند که فلان نقل و قول فدائیان را چرا بطور کامل منعکس نکرده‌اید، یا فی المثل چرا «است» آنرا «میباشد» نوشته‌اید. پاره‌ای نوشته‌اند «چرا لحن شما زخم‌ترو و انتقادی تر شده» و اتفاقاً بعضی دیگر بر عکس شما نوشته‌اند که «منظورتان از این لحن نصیحت گر و پسرانه چیست؟ آیا نمیخواهید وانمود کنید که بایک فرزند کم تجربه و به اصطلاح اغفال شده طرفیده؟»

پنهان و خفه‌کنند. کاری که در بحث و فحس جریک‌های فدائی استثنائیت، قاعده است. بدون نبره و دشنام؟ مگر مبارزه سیاسی را بدین گونه بدون چنین پایه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد؟ واقعاً جای شگفتی است که وظیفه‌نفرین‌شوار مجاب کردن، تصحیح کردن، رشد دادن، به دروغ و انحراف زخم‌زدن، نقاب از چهره سفسطه‌برداشتن، همه و همه به «دشنام» و «تسخیر» واگذار شود و چنین عجزی، مبارزه انقلابی و بی‌خود سازنده عقاید خوانده شود! مخاطب بیطرفی که انتقادات و استدلال‌های ما را درباره شیوه و متنی سیاسی و برداشتهای تئوریک فدائیان میخواند و گرامی حس‌نیت و تربیت طلب حزب توده ایران را در لابلای کلمات و عبارات آن حس‌نیت و تلاش پرسر حوصله و خونسردانه در جهت یافتن زبان مشترک با نزدیک بهم، در لحن ما به عیان می‌یابد، وقتی در جستجوی پاسخ به ما، به آثار فدائیان مراجعه میکند، جز بیله کردن روی مسائل فرعی دست دوم و سوم، گریز زدن از مسائل محوری روز که میدان واقعی این بحث و درودروئی سیاسی است، و دست آخر کوهی از اتهام و دشنام، که از فرط استعمال دیگر گنبدیده شده و حوصله را بس می‌برد، چه می‌یابد و واقعا چه می‌یابد؟ هیچ یک از اینها برای این چه آنگویی است مگر نه اینکه مارکسیست‌های واقعی مخالفان خود و حتی دشمنان خودی خلق را، نه با چشم غره و دندان قروچه و نامز، بلکه با برندیگی و قضاوت آگاهانه می‌کند و در حرحرکتو مردم منزوی و خلع سلاح میکند؛ مگر نه اینکه مخاطب واقعی برهان آنها نه این دشمنان که هیچ حرف حسابی به گوششان نمی‌رسد. بلکه توده‌ها هستند؛ توده‌ها هستند که در مسیر این افشاگریها و بر خوردهای هشیار بخشی، رشد میکنند، جهت گیری و قضاوت آگاهانه می‌کند و در حرحرکتو بسج خود، آن معرفتی را که در دسترس قرار گرفته، تبدیل به نیروی مادی تاریخ ساز میکند؛ پس آنکس که جای دلیل و منطق و منافع را با

اخبار دهقانی

گزارشی از قریه ساتتاوار «سلطان آباد»

روستای سلطان آباد، معروف به ساتتاوار، واقع در پنج کیلومتری جاده اندییل-آستارا، امروزه شاهد هر چه مورج و کاب-شکنیهای است که از طرف افراد معلوم الحال مدعوئی انجام میشود. این روستا، تا پیروزی انقلاب، با وجود نزدیکی به شهر از آب محروم بود. جهاد سازندگی برای تأمین آبپورق از خود اهالی در این مورد استدعا طلبید، ولی هر موقع افراد خبی، که مورد اطمینان اهالی هستند، خواستند اقدامی در این باره بعمل آورند، مواجه با کارشکنیهای این افراد معلوم الحال شدند. نمونه این افراد شخصی بنام دخیرووشی است که در دوران طاغوت با زور و قلدری ریاست خانه انصاف محلا را عهده دار بود و کارشخدا و آنچه را نیز انجام میداد و در اثر تبانی با مأموران زاندا امری و غیره، هر کسی را که دلش میخواست، آذیت میکرد.

از امروزه در صف اول این کارشکنان قرار گرفته است. با این که علی رغم کارشکنی او، اهالی توانستند پولی جمع کنند و جهاد سازندگی را در امر تأمین آب و تهیه مقدمات برق یاری نمایند، ولی هنوز در مورد انتخاب شورای دیبا کارشکنی این شخص عهده‌ای که از روی ترس با احتیاج دنیا بهار او هستند، روبرو میباشند. این عده چندین بار باعث مشاجره لفظی و درگیری بین اهالی شده‌اند، که ممکن است عواقب بدی پدید آید. خسر و شاهی از ما داد که باید حتماً عضو شورای ده شود، ولی چون اهالی او را میشناسند، به هیچ وجه حاضر به انتخاب او نیستند. او هم از کارشکنی دست برنمی‌دارد.

روستائیان «باغ تیر» آرسنجان خواهان رفع ستم مالک هستند

روستائیان «باغ تیر» از جور و ستم مالک - علیرضاخان صاحب دیوانی - به جان آمده‌اند. آنها ده نفر هستند که جملاً ۱۵۰ نفر را تحت تکفل دارند. علیرضاخان در همان زمان (اصلاحات ارضی) خانه‌های روستائیان را ویران کرد و در جای آن بنه کشت و دهقانان را آواره ساخت. آنها از ستم‌های این مالک قلدر خاطر تندی دارند. دهقانی لاله گوش را نشان میداد که زاندا را به دستور مالک ناقص کرده‌اند. روستائیان برای احقاق حق خود به مبارزه ادامه می‌دهند. آنها می‌گویند زحمتکشان این مملکت شاه را سرکوب کردند. علیرضاخان که جای خود دارند.

روستائیان «سرحده» حومه شیراز زمینهای غصب شده خود را می‌خواهند

۱۵ نفر از روستائیان قریه «سرحده» (نزدیک شیراز) از محمدقلی ثانی پور، که زمین‌هاشان را غصب کرده است، می‌خواهند که زمینشان را پس بدهد. در سال ۱۳۴۱ قسمتی از زمینهای این ده بین روستائیان به اصطلاح تقسیم شد، ولی سال بعد مالک به ضرب سرنیزه زاندا هم زمینها را دوباره تصرف کرد. روستائیان در شهر و اطراف آوار شدند، ولی حالا که انقلاب بندهای پیروزی مستضاد را سر می‌دهد، آنها از مقامات مسئول میخواهند که دست محمدقلی ثانی پور، مالک غاصب را از زمینهای آنها کوتاه کند.

مباحث و شمارهای تو خالی و تحریک کننده عوض میکند، ضمن اعتراف تلویحی به سستی موضع خود، به مردم نیز که مخاطب او هستند، توهین و تمسبی کرده است. به مردم باید احترام گذاشت و اعتماد داشت، نه بنیان شادمانه بلکه با منطق کردار و داوردی نهائی و تمییز سرنوشت را با مراجعه فعال به این قاضی عادل و با فراسی و واگذاشتن از طریق او به اجرا در آورد.

پنهان و خفه‌کنند. کاری که در بحث و فحس جریک‌های فدائی استثنائیت، قاعده است. بدون نبره و دشنام؟ مگر مبارزه سیاسی را بدین گونه بدون چنین پایه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد؟ واقعاً جای شگفتی است که وظیفه‌نفرین‌شوار مجاب کردن، تصحیح کردن، رشد دادن، به دروغ و انحراف زخم‌زدن، نقاب از چهره سفسطه‌برداشتن، همه و همه به «دشنام» و «تسخیر» واگذار شود و چنین عجزی، مبارزه انقلابی و بی‌خود سازنده عقاید خوانده شود! مخاطب بیطرفی که انتقادات و استدلال‌های ما را درباره شیوه و متنی سیاسی و برداشتهای تئوریک فدائیان میخواند و گرامی حس‌نیت و تربیت طلب حزب توده ایران را در لابلای کلمات و عبارات آن حس‌نیت و تلاش پرسر حوصله و خونسردانه در جهت یافتن زبان مشترک با نزدیک بهم، در لحن ما به عیان می‌یابد، وقتی در جستجوی پاسخ به ما، به آثار فدائیان مراجعه میکند، جز بیله کردن روی مسائل فرعی دست دوم و سوم، گریز زدن از مسائل محوری روز که میدان واقعی این بحث و درودروئی سیاسی است، و دست آخر کوهی از اتهام و دشنام، که از فرط استعمال دیگر گنبدیده شده و حوصله را بس می‌برد، چه می‌یابد و واقعا چه می‌یابد؟ هیچ یک از اینها برای این چه آنگویی است مگر نه اینکه مارکسیست‌های واقعی مخالفان خود و حتی دشمنان خودی خلق را، نه با چشم غره و دندان قروچه و نامز، بلکه با برندیگی و قضاوت آگاهانه می‌کند و در حرحرکتو مردم منزوی و خلع سلاح میکند؛ مگر نه اینکه مخاطب واقعی برهان آنها نه این دشمنان که هیچ حرف حسابی به گوششان نمی‌رسد. بلکه توده‌ها هستند؛ توده‌ها هستند که در مسیر این افشاگریها و بر خوردهای هشیار بخشی، رشد میکنند، جهت گیری و قضاوت آگاهانه می‌کند و در حرحرکتو بسج خود، آن معرفتی را که در دسترس قرار گرفته، تبدیل به نیروی مادی تاریخ ساز میکند؛ پس آنکس که جای دلیل و منطق و منافع را با

میروند؛ فقط آنهائی که به حقانیت و استحکام موضع و منطق خود مطمئن نیستند، آنهائی که درودروئی سریع در اصلی ترین زمینه‌های علمی و نظری، به زیان نشان تمام میشود، آنهائی که پای استدلالشان چوبین است و شمشه واقعیت، موس سفسطه و خانه بریشان را، که در یخچندان یک فسل فقیر و عقیم بنا شده است، ذوب میکند، آنهائی که نا آگاهی و کم آگاهی مجذوب شدگان، همانقدر با زارشان را سکه میکنند که آگاهی و بینائی دوستداران و مردمان حقیقت، به افلاستان می‌کند. هر کس از این جرگه نیست، نه می‌تواند و نه به خود حق میدهد که اصولیت بحث و تبادل نظر و تقابل سیاستها و اسلوب‌های متفاوت را، که بهترین فرصت را برای داوری و تمیز حق از باطل و سرافرازانه بر مردم میدهد، در سیلاب تیرهای اندشنام و تهمت و هیجان‌ناک کاذب و هیجرتیک

در حاشیه گفتگو (در یکهای فدائی «اتحاد» و هواداران آنها)

تضعیف آن، در کنار این نیرو قرار گرفتن و با در کنار بختیاری و بوقول پاره‌ای از هواداران بختیاریسم - لیبرال‌ها و غیره، خسوست ناخوسته هم میسر شدن؛ آیا وحدت با خسل امام، معرف آن است، در این اوضاع و احوال حاسی، بر تضادی که با آن دارید، می‌چربد؟ چیزی ۵ بر عکس؛ و اگر وحدت در این برهه حیاتی است خوشحال می‌است، چگونه است که برخی از اعضاء و هواداران شما به صراحت مساله سرنوشتی فیر آیین و روش داده‌اند. حاکم را، که اهرمهای عسند آن در دست م

طبیعی طبقه کارگر است، پیش کشیده‌اند و شما در نوشته‌های پتان با ایما و اشاره و در کردار با صراحت تمام آنرا تأیید می‌کنید؛ این مسائل و دیگر اصولی که در مقابل تزاری خاسطرات آمد، واضح تر و عریان تر از آنست که جو و فراموش نمی‌کنند که توضیح آنرا به پیچ و خم تئوریهایی آید؛ اینها بکشائیم، خوب، فحش‌هایتان - اگر نمیشد، از آن سرفظر کنید - سر جای خودش، حلی بوده است. حسیاتان چیست؛ چه جحتی برای دور از زمین را به نا روزافزوتان از توده‌ها و دوری روزافزوتان از توده‌ها از خودتان دارید؛ پیشاکنکه بودن، اسبا زندان ملتها بو داده، پیشاکنکه که سپاه و قسوی او در کبیر سوسیالیستی مسیر اوست، با خصم پیش از سپاه خودی در بر شد، خاندان رو است. پیشایش مردم بودن بهیچوجه بهیچوقت و نخستین جدا و بیگانه از مردم بودن نیست و نمیتواند باشد. شما که لااقل در حرف متعهد به مارکس و لنینیسم هستید، مگر این سخن بزرگ را فراموش کرده‌اید که فطریک کام باید از توده‌ها جلو بکشند و این یک کام جلو بودن هم فقط برای آنست که هم پیوند با توده‌ها همواره برقرار باشد توده‌ها بسوی جلو رهبری شوند. شما که سیاست و روشتان، هم از توده‌ها جدا نیست و هم عقب، چگونه می‌توانید مدعی پیشاکنکه توده‌ها برای کمونیست‌ها، بر سر راهی سرمایه‌داری و پیشاکنکه طبقه کارگر، بر سر راهی سوسیالیسم و مبداء و معاد و همه چیزند. می‌خواهند بهر قیمت از مردم و برای مردم و پیشاکنکه مردم باشند. اما دوستان فدائی شما کجائید؟ آیا واقعا مردمید؟ خود مردم در کارخانه مزرعه و کوچ و خیابان در این چه فکر میکنند؟ هیچ میدانی

حل مسئله ارضی دهات سیلاخور سفلی در لرستان از وظائف فوری مقامات مسئول است

آنها را غصب نمودند. پس از پیروزی انقلاب، دهقانان به دهات خود بازگشته‌اند و میخواهند بر روی زمینهای خود، یعنی همین‌ها یک سالین دراز بر روی آن کشت و کار می‌کنند، دوباره فالیست کشاورزی کنند و تولید زراعی را بالا ببرند، یعنی در جهت فرمان امام عمل کنند. در این مورد وظیفه اولیه مسئولان اجرائی آنست که حق ریش خریداری شده، بسوی مالک را لنگر لنگر کنند و زمین‌های خریداری شده را با صاحبان اصلی آن، یعنی دهقانان زحمتکش بر گردانند.

۲) در برخی از دهات دیگر، طی همان اصلاحات ملوکانه، ارضی بین دهقانان و مالکین تقسیم گردید، یعنی شق تقسیم اجرا شد. در این مورد سطح زیر کشت دهقانان به نصف یا کمتر تقلیل پیدا کرده و قسمت‌هایی از زمین به دست مالکان افتاده است.

۳) نسق زراعی یا سطح زیر کشت در این دهستان سال به صاحب نسق یکسان نیست و همین جهت تفاوت نسق شده باشد؛ زیاد و غیر قابل توجهی پیدا میشود که چه بسا در زمینها لیرا به برخورد و تصادم می‌کورد. در تمام این موارد، برای زمیندارها دلاری این مسئله و همچنین برای استفاده از تکنیک مدرن و مسائل پیشرفته، راه اصولی عبارتست از ایجاد تعاونیهای راهی تولید و یا اشکال دیگری از فعالیت‌های تعاونی شده است؛ این راه که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، می‌تواند اگر روه گره‌گور این مشکل را حل کند. با ایجاد و تقویت تعاونیها، دهقانان از حقوق برابری که به ارزش کار خود بستگی دارد، برخوردار خواهند شد. آقاسی در این باره نیز با چنین نیت از جانب شورای انقلاب اهمیت این راه را برسانند و خاطر نشان ساخته است.

ما امیدواریم که پس از تجربه تلخ نهما، کلاسهای مسئولین جدید اجرائی، گوناگونی در اجرای راهی از آنها پشتیبانی امام و رهنمودهای درست شورای انقلاب و خسور شود پلرزند. بحق دهقانان داشته باشند. رادردست، اصولی واقع که اعلام شده، باید در عمل اجرا شود و قسطاً و در گورد نباید فراموش کرد که فقط با اجرای چنین راهی، یعنی با توجه به مشخصات هر منطقه و مشکل هر قشر دهقانی و برشالوده منافع زحمتکشان در میتوان میلیونها دهقان را، که منافع حیاتی و سلامتی را با آن مطابق میکنند، بسج کرد و حمایت قاطعی آنان را به انقلاب جلب کرد و بزیرک مالک که پایگاه طبقاتی - اجتماعی ضد انقلاب هستند، از دور ساخت.

رفقای حزبی هواداران دوستداران حزب! اسناد: بی (اعلام) بیانه‌ها و... منتشره مردمی ارگان مرکزی حزب توده ایران را، علافتندان استفاده از تمام امکانات بوسیله ترین شکل تکثیر و پخش توده‌های بر بوسانید. در شرایط حساس کنونی این وظیفه مبهم انقلاب است.

کامپیوتر اجاره‌ای شرکتهای امپریالیستی باید ملی شود

عده‌ای از کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستائی در این باره شرحی به «مردم» نوشته‌اند که خلاصه آن چنین است: ما که در گذشته شاهد غارت منابع کشور از طریق قراردادهای سنگین به منظور تخریب کشاورزی و همچنین بالارفتن کاه عظیم وزارت کشاورزی بر کور کشاورزی و مرگ روستاها بوده‌ایم، اعلام میکنیم که عده‌ای مزدور و سرسپرده امپریالیسم جهانی آمریکا، با هزینه‌گزافی که میبایست برای توسعه کشاورزی و رفاه روستائیان زحمتکش صرف میشد، کامپیوتر عظیم الجثه‌ای را، که نظیر آن در دنیا بسیار کم است، از یک شرکت امپریالیستی آمریکائی اجاره کرده‌اند. با توجه به مفاد سنگین قرارداد، هزینه‌گزاف اجاره، نگهداری و تعمیر آن و همچنین نیاز به کارشناسان آمریکائی، که همیشه ما را به آنها وابسته میکند، و همچنین با توجه به مقدار پولی که تا بحال از جیب کشاورزان مملکت به این شرکت پرداخت شده

کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستائی

است، و با توجه به اینکه در صورت اصراف وزارت کشاورزی از اجاره آن بایستی باقیمانده اجاره پنج ساله آن و کلیه هزینه‌های انتقال آن به جای دیگری از طرف ملت ایران پرداخت گردد و با توجه به مسائل تکنیکی و کارشناسی... همراه با توده مردم که برای قطع ریشه‌های امپریالیسم و مظاهر آن و انشاء کلیه قراردادهای سنگین و تحمیلی بها خاسته‌اند، کامپیوتر اجاره‌ای وزارت کشاورزی را، که متعلق به یک شرکت غارتگر امپریالیستی آمریکائی است به نفع خلتهای قهرمان ایران معصوده کرده و از پرداخت مبلغ هنگفت به شرکت آمریکائی اجاره‌دهی می‌نماییم. پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران نابود باد امپریالیسم جهانی آمریکا و نوکران داخلی آن کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستائی

کامیوترا جاره‌ای شرکتهای امپریالیستی باید ملی شود

عده‌ای از کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستائی در این باره شرحی به «مردم» نوشته‌اند که خلاصه آن چنین است: ما که در گذشته شاهد غارت منابع کشور از طریق قراردادهای سنگین به منظور تخریب کشاورزی و همچنین بالارفتن کاه عظیم وزارت کشاورزی بر کور کشاورزی و مرگ روستاها بوده‌ایم، اعلام میکنیم که عده‌ای مزدور و سرسپرده امپریالیسم جهانی آمریکا، با هزینه‌گزافی که میبایست برای توسعه کشاورزی و رفاه روستائیان زحمتکش صرف میشد، کامپیوتر عظیم الجثه‌ای را، که نظیر آن در دنیا بسیار کم است، از یک شرکت امپریالیستی آمریکائی اجاره کرده‌اند. با توجه به مفاد سنگین قرارداد، هزینه‌گزاف اجاره، نگهداری و تعمیر آن و همچنین نیاز به کارشناسان آمریکائی، که همیشه ما را به آنها وابسته میکند، و همچنین با توجه به مقدار پولی که تا بحال از جیب کشاورزان مملکت به این شرکت پرداخت شده

کامپیوترا جاره‌ای شرکتهای امپریالیستی باید ملی شود

عده‌ای از کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستائی در این باره شرحی به «مردم» نوشته‌اند که خلاصه آن چنین است: ما که در گذشته شاهد غارت منابع کشور از طریق قراردادهای سنگین به منظور تخریب کشاورزی و همچنین بالارفتن کاه عظیم وزارت کشاورزی بر کور کشاورزی و مرگ روستاها بوده‌ایم، اعلام میکنیم که عده‌ای مزدور و سرسپرده امپریالیسم جهانی آمریکا، با هزینه‌گزافی که میبایست برای توسعه کشاورزی و رفاه روستائیان زحمتکش صرف میشد، کامپیوتر عظیم الجثه‌ای را، که نظیر آن در دنیا بسیار کم است، از یک شرکت امپریالیستی آمریکائی اجاره کرده‌اند. با توجه به مفاد سنگین قرارداد، هزینه‌گزاف اجاره، نگهداری و تعمیر آن و همچنین نیاز به کارشناسان آمریکائی، که همیشه ما را به آنها وابسته میکند، و همچنین با توجه به مقدار پولی که تا بحال از جیب کشاورزان مملکت به این شرکت پرداخت شده



«اتحاد شوروی» یا «روسیه»؟!

در روزنامه‌ها و رسانه‌ها حتی گاهی در سخنان مقامات رسمی ایران، به جای شوروی کلمه روسیه به کار می‌رود، چیزی که آمریکاییها و ساواکیها را سخت خوشحال می‌کند. چرا؟ برای آن که اینان تصور درختی را برداشت می‌کنند که دهه‌ها سال پرورش داده‌اند.

برای آن که مطلب خوب دستگیرمان شود، به کشور خودمان برگردیم. ایران شانشاهی قریباً مظهر حکومت‌های حقیر و مزدور بود. ایران شانشاهی نماینده دولتهای مستکرم، ضلعی و رازن نانی بود که جز غارت زحمتکشان و دشمنی با مردم برای خود تکلیفی نمی‌شناخت.

انقلاب نیم‌بند مشروطه، با همه فداکاریها نتوانست حتی در یک ولایت یک شهر بساط این غارتگران را برچیند، تا آن که در سال ۱۳۵۷ مردمان، بر رهبری امام خمینی، توانستند دودمان منحوس و دست نشانده پهلوی را با همه اعوان و انصارش از صفحه ایران براندازند و جمهوری اسلامی ایران را بنیان گذارند.

انگور آبی یکی شمرند جمهوری اسلامی با رژیم شانشاهی توهین آمیز نیست؛ توهین بمردم، توهین بخون شهیدان، توهین به انقلاب و رهبری آن، توهین به جوانان پاک‌کفای که شب و روز، از جان و دل، برای قوام و دوام رژیم تازه تلاش می‌کنند؛

آری، نه شوروی همان کشور روسیه تزاری است، نه جمهوری اسلامی ایران آن رژیم منحوس شانشاهی، و در از یاد عسر همه رژیم‌هایی که در چشم امپریالیسم جنگ می‌اندازند تا زحمتکشان و مستضعفان را از غنای و زنجیر سرمایه‌داران و مستکبران خون آشام رها سازند!

کسی که میان این رژیم‌ها تفاوت نمی‌گذارد، مرد در اغفال می‌کند، و اسیر گناه کوچکی نیست.

MARDOM

No. 110
Wednesday
Azar, 15

Praises:

West - Germany
0.80 DM
France 1.20 fr
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

از امکانات مالی وسیع شرکتهای بیمه در جهت اجرای برنامه‌های اقتصادی باید استفاده کرد

بازار بیمه‌ای ایران، تا قبل از ملی شدن بیمه خصوصی، از سیزده شرکت بیمه (بدون احتساب بیمه مرکزی) ۹۹۵ نمایندگان بیمه خارجی تشکیل گردیده بود. از شرکتهای مزبور، یکی از آنها، یعنی «شرکت سهامی بیمه ایران» دولتی و بقیه خصوصی بودند. با اعلام ملی شدن شرکتهای بیمه، که یکی از اقدامات مثبت دولت موقت بود، از لحاظ مالکیت سرمایه و مدیریت، نظام واحدی در بازار بیمه‌ای ایران برقرار گردید، یعنی کلیه شرکتهای بیمه در اختیار دولت قرار گرفت.

برای اطلاع از امکانات وسیع مالی شرکت‌های بیمه در ایران، باید توجه کنیم که حق بیمه دریافتی در سال ۱۳۵۴، مبلغ ۱۸۸۲۱ میلیون ریال بوده، که در مقابل این رقم، مبلغ ۷۹۱۵ میلیون ریال در همان سال خسارت پرداخت شده است. یعنی در سال مورد بحث، حق بیمه دریافتی مبلغ ۱۰۹۰۶ میلیون ریال بیشتر از خسارت پرداختی بوده، و به عبارت دیگر، درصد خسارت به حق بیمه ۴۲/۱ بوده است.

اگر بر قبوقابل ملاحظه حق بیمه، مبلغ سرمایه شرکتهای بیمه را نیز اضافه کنیم، آنوقت به قدرت مالی آنها و نقش اساسی که میتوانند در توسعه اقتصادی مملکت ایفا نمایند، بهتری خواهیم دید.

سرمایه تهنه شده شرکتهای بیمه در پایان سال ۱۳۵۴، مبلغ ۸۵۰۰ میلیون ریال بوده، که مبلغ ۶۱۷۰ میلیون ریال آن پرداخت شده است.

تفاوت فاحش میان حق بیمه دریافتی و خسارت پرداختی، تا قبل از ملی شدن شرکتهای بیمه، همسأله میلیون‌ها ریال سود عاید این شرکتهای بیمه بود، که قسمت اعظم این سود سرشار نیز به صورت ارزبازار از کشور انتقال مییافت.

حال که اداره کشور در اختیار شورای انقلاب قرار گرفته است، جاداد که شورای مزبور با تدوین برنامه‌های اقتصادی، از شرکتهای بیمه بعنوان یکی دیگر از منابع مالی لازم برای اجرای این برنامه‌ها استفاده کند و کلیه امکانات مالی آنها، یعنی سرمایه، اندوخته‌ها و حق بیمه دریافتی را در این راه به خدمت گیرد.

دولت با شتاب مدیرانی برای این شرکتهای تعیین کرد، ولی در انتصاب آنان از همان شیوه‌ای استفاده کرد که در امر تعیین مدیران بانکهای ملی شده به کار گرفته شده بود، یعنی اکثر مدیران شرکتهای بیمه شده با جابجایی شدن در سمتهای خود باقی ماندند، در حالی که لازم بود گذشته تک آنان دقیقاً مورد رسیدگی قرار میگرفت و فقط افرادی که با رژیم گذشته وابستگی نداشتند، بکار دعوت میشدند. با توجه به چنین طرز عملی در گذشته است که دست‌زدن به پاکسازی عمیق در سطوح مختلف شرکتهای بیمه ضرورت دارد و مسئولان امر باید هر چه زودتر آنرا آغاز نمایند.

شرکتهای بیمه با وجود بلندمدتی که از طریق دریافت حق بیمه جمع‌آوری میکنند، بطرز موهن در بازار سرمایه کشور خود، و حتی سایر کشورها، فعالیت دارند. این فعالیت بصورت مشارکت در سرمایه‌گذاری واحدهای تولیدی، پرداخت وام‌های بلندمدت، خرید اوراق قرضه دولتی و خصوصی و بالاخره ایجاد سپرده ثابت نزد بانکها نظایر پیدا میکنند.

شرکتهای بیمه در ایران (بخصوص شرکت‌های بیمه ملی شده) بندرت در سرمایه‌گذاری و پرداخت وام‌های بلندمدت مشارکت داشته‌اند و از امکانات مالی خود بیشتر در کار خرید اوراق

خلقه‌های عرب خواستار قطع وابستگی به امپریالیسم اند. محافل سیاسی در بیروت گفتند که ویلیام میلر، وزیر خزانه داری آمریکا، که اخیراً از عربستان، کویت و امارات عربی متحده دیدن کرد، تلاش کرد، تا او کنش شدید افکار عمومی عرب را از تصمیم اخیر واشنگتن دموود مسدود کردن داراییهای ایران کاهش دهد. به گفته این محافل، اقدام واشنگتن آینده ذخایر اعراب در آمریکا را نیز مورد تهدید قرار داده است. ملت‌های عرب می‌طلبند که وابستگی کشورهای عرب به انحصارات امپریالیستی قطع شود. رژیم‌های سرسپرده عرب، بویژه عربستان و امیرنشینها، سرسختانه در برابر این خواست خلق‌های عرب مقاومت میکنند.

افزایش مخالفت با استقرار موشک‌های هسته‌ای ناتو در اروپای غربی
ارگان شبه آمریکایی جامعه بین‌المللی صلح و آزادی زنان اعلام کرد که مقاصد امپریالیسم آمریکا برای استقرار حدود شصت موشک هسته‌ای در اروپای غربی تهدید مستقیم به آرمان صلح و خلع سلاح است. این نشریه نوشت که دور جدید مسابقه تسلیحاتی، که نامداران واشنگتن سرگرم تدارک آن هستند، تهدیدمقابل هسته‌ای را مطرح کرده است. این نشریه از آمریکاییان خواسته است که بانک اعتراض خود را علیه طرح‌های تجاوزکارانه واشنگتن بلند کنند.

از معاهده خائنه کمپ دیوید فقط اسرائیل سود میبرد
عزروازینم وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد که ارتش این کشور تجدید سازمان مییابد. و این من اعتراف کرد که این تجدید سازمان در پی امضای معاهده صلح با رژیم مصر امکان پذیر شده است. سر فطر از برای اسرائیل اقتصادی و سیاسی زیادی که معاهده خائنه کمپ دیوید برای اسرائیل در بر داشته است، این معاهده فرصتی در اختیار صهیونیست‌های اسرائیلی قرار داده است تا ماشین جنگی خود را بهبود بخشند. این جنبه نظامی معاهده بخوبی نشان میدهد که راه و روش خائنه سادات تا چه حد کشورهای مستقل عرب را مورد تهدید قرار میدهد. یکی از رهبران نظامی اسرائیل در مصاحبه‌ای با نشریه «داماها» بحق این کشور دموود دست‌زدن به ضربه باز دارنده اشاره کرده است.

دولت انقلابی نیکارگوته ضد انقلاب را سرکوب می‌کند

دولت انقلابی نیکارگوته برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و مبارزه قاطع با ضدانقلابیون اعلام کرد که محاکمه عوامل سرسپرده و جنایتکاران رژیم سوموزون در دادگاه آغاز میشود. دولت انقلابی نیکارگوته یادآور شد که حدود هفت هزار و پانصد تن از افسران و اعضای گارد پاسللاج ملی نیکارگوته، که در جریان قیام خونین خلق، با مبارزان نیکارگوته، محاکمه خواهند شد و آن دسته از افراد این گارد، که متهم به شکنجه یاقتل یاسرکوب مردم، چاول اموال و گرفتن دستور از سازمان جاسوسی سیاه‌پوش، مجازات میشوند. پس از انقلاب در نیکارگوته، ارتش کشور بکلی زيرورو و تجدیدسازمان شده و اساس آنرا نیروهای خلقی تشکیل میدهد.

پروادا: خواست ملت ایران برای استرداد شاه مخلوع منطقی است...

ندارد. مسلم بودن اصل مصونیت نمایندگیهای سیاسی نمی‌تواند نقض حق حاکمیت کشور مستقل، نقض اصل دیگری را که هسته‌ای تمامی حقوق بین‌المللی را تشکیل میدهد، توجیه کند و به هیچوجه نمی‌تواند بهانه‌ای برای انجام چنین کاری باشد. تلاشهای کنونی ایالات متحده آمریکا برای اجرای سیاست شاتلز در مورد ایران از راه تمرکز نیروهای مسلح خود در نزدیکی مرزهای آن و تلاش ایالات متحده آمریکا برای تحمیل برنامه عمل بایران با توسل به نیروی قهریه، نقض خشن موازین حقوق بین‌المللی است. جایز نیست که مسئله مربوط به مسافرت شخصی را می‌پذیرد که می‌خواهد به این کشور بیاید و با میلیاردها دلاری که در ایران غارت کرده، آندروبانک، نماینده سابق ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد گفت که ایالات متحده آمریکا به يك قاتل و غارتگر پناه داده است.

مذین جهت منطقی است که ملت ایران می‌خواهد شاه بعلت جنایاتی که مرتکب شده، برای جلب به دادگاه، از ایالات متحده آمریکا، به ایران مسترد شود. عدای در ایالات متحده آمریکا اعلام کرده‌اند که عدم استرداد شاه تقریباً امریست که شرافت ملی آنرا ایجاب می‌کند. ولی پنهان کردن يك جنایتکار شرف و اعتبار کشور را بالا نمی‌برد. حقوق بین‌المللی مانند تمام دیگر حقوق برای همه یکسان است و دومنا امنیت بین‌المللی تقویت گردد.



«حقوق بشر» بسبب امپریالیسم: دانشجوی مبارز ایرانی زیر ضرباتون پلیس انگلیس

خرید و فروش آزادانه هروئین

بر اساس اطلاع رسیده، خیابان قوام‌السلطنه سابق به مرکز خرید و فروش آزادانه مواد مخدر تبدیل شده است. نکته قابل توجه و در حالیکه او، بر ارضی کالای لذتی خود را می‌فروخته ۵۸۷/۶ در ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۵۸/۷/۶ یکی از خوانندگان «مردم» کلا نتری ۱۵ بشماره ۱۶۲۸ را دیده است که در ده قدمی يك فروشنده مواد مخدر توقف کرده و در حالیکه او، بر ارضی کالای لذتی خود را می‌فروخته ۵۸۷/۶

«مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران نشانی: خیابان ۱۶، آدرس: شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹ چاپ: کویان

مسلح که در ماشین بودند، هیچ عکس‌العمل نشان ندادند. در کنار همین ماشین، تعداد زیادی معتاد نیز مشغول استعمال هروئین بودند!

نگو با آئی آنها!

ار گرفتار... زهواداران... خواسته... ت باخطی... ضاع و احوا... می‌چربد... ه حیات... شفاء و هواداران... قهر آمیز رژیم... دست مست... نمیده‌اند و خس... رود کردار... یه؟... که درمقاله... نت که جواب... یهای آنچنان... اگر نمیتوان... خودش، حرد... رای دور افتاد... ری روز افزور... اهنگ بودن هن... های او در خلا... سپاه خودی هم... پیچوجه بینه... نیست و نمیتوان... هده به مارکسی... بزرگ را فراموش... از توده‌ها جلو... مل برای آنست... برقرار باشد و... نوند. شما که... بداند و هم از... شانه‌ها توده‌ها... نیست‌ها، بران... تارگرو، مسود... به چیزند، آن... ست از مردم،...

استار

زیر کشت دهقان... ن جهت تفاوت... نود که چه بسا... این موارد، برای... اده از تکنیک... ت از ایجاد تما... ز فعالیت‌های... یینی شده، می... با ایجاد تقویت... ی که به ارزش کار... تند شد. آقای... ب اهمیت این... چر به تلخ نماء... بنوائی در اجرای... ست، اصولی و تق... اشود و قاطعانه... طبا اجرای چنین... هر منطقه و مش... ع زحمتکشان رو... نافع حیات و مس... زرد و وزیر رگ... دا انقلاب هستند، از... ففای حزبی... واداران... و ستداران... حزب!



درود بر شهیدان سرفراز دانشگاه



یکی از تظاهرات دانشجویی در سالهای ۱۳۳۰ علیه شرکت غاصب نفت انگلیس - رقیق مهدی شریعت رضوی که با علامت ضربدر (X) مشخص شده در صفت تظاهر کنندگان دیده میشود

فریادهای خشمی که در هوای سنگین و غم‌انگیز پس از کودتا، در سینه‌ها حبس بود، روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، از سینه صدها دانشجوی رزمنده دانشگاه تهرانی به بیرون رزگشود فریادها شعله‌شد، شعله‌ها به آسمان پر کشید، زمین و زمان رنگ خون گرفت، پیکر سه دلار پر خفاک افتاد، بزرگ‌نیا «قندچی» شریعت - رضوی، شهیدان سرفراز دانشگاه تهرانی!

جستجوی عرصه‌های تازه و نما و غارتگری، این گوشه ران گوشه سرگ میکشید. مردم عیوس و تلخکام از زهر شکست، خشم خاموششان گهگاه جرقه میزد، اما جرقه‌هایی بی‌توش و توان نبود، هنوز اوج نیافت، ناپود میشد و ایام سرخوردگی گسترش مییافت. جنبش دانشجویی کشور، یثوانه‌ای ارزنده داشت. در سالهای مبارزه با امپریالیسم فرتوت انگلیس، برای ملی کردن ستم‌نفت، از هم‌اوائی با خلق نیرو گرفته و به قله‌های رفیع رزم و پیکار دست یافته بود. اکنون در چند ماهگی شکست‌شوم، با پیکری زخم‌خورده و ضربت‌دیده در برابر غول امپریالیسم قد علم کرد، و در آستانه سفر نیکسون، این نماینده انصارات جهان‌نخوار آمریکا با ایران، بادیگر توان خود را

آزمود، بازتاب خشم و فریاد مردم شد، ضربه جانکاهی دیگر از سوی دشمن بر او فرود آمد، سه قربانی داد، اما انزای نیفتاد. زیرا این شکست نبود، سر آغاز یک مبارزه بود. گلوله‌های رزمی، که بقسمه فروشانیدن آتش مبارزه راه می‌شد، آنرا شله و در تر ساخت. خون شهید جنبش دانشجویی، دامان جلاد را رهان کرد، پرچم رزم و انتقام شد. هر سال در همین روز و در روزهای دیگر، فریاد خشم و نفرت علیه شاه دست‌نشانده آژراس دانشگاه‌های ایران برخاست، تاس انجام با فریاد کارگر و دهقان و روحانی و پیشور درم آمیخت، طوفان شد و طومار حیات رزمی مزدوری را که تنیده‌ای از جنایت و خیانت و فساد بود، درم پیچید. امثال پسران نضتین بار مراسم ۱۶ آذر و گرسامیداشت

خاطره سه دانشجوی شهید، نهدر آرای کلوله‌ها، بلکه در میان غریب پیروزی مردم پرگز آمدی شود. اما بزرگداشت ۱۶ آذر تنها یک وظیفه نیست، بلکه درسی گرانبهاست که باید از آن آموخت. باید از آن آموخت که جدائی نیروها را ز بقای دشمن و دلیل شکست مردم است. پس باید بر جدائیها غلبه جست. باید از آن آموخت که اگر دشمن امان یابد، مخالفان خود را یکجا سرکوب میکند. ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، خون توده‌ای و مصدق بر صحن دانشگاه درم آمیخت و امروز از خود را شایسته حفظ دستاوردهای انقلابی نشان ندهیم، فریاد ما را فرقی میان توده‌ای و روحانی و غیر توده‌ای نخواهد بود. باید از آن آموخت که پیروزی فقط در سایه پیوند

مبارزات دانشجویی با مبارزات کارگران، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش میسر است. همه دیدیم که انقلاب روزی پیروز شد، که کارگر و دهقان و دانشجوی و پیشور و روحانی و بازاری دست هم را فزیدند و در یک صف ایستادند. امثال اشغال جاسوسخانه امریکایی و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، براحمیت و شوکت جنبش دانشجویی کشور عزیزان بار میافزاید. هاوائی و حکامی همه طبقات و اقشار زحمتکش با این مبارزه رویاروی با امپریالیسم امریکا، میتواند نویسد پیروزی باشد.

گرامی باد خاطره تابناک شهیدان دانشجوی!

درود بر دلاوران دانشجوی که درس اتحاد آموختند!

مراسم بزرگداشت سه دانشجوی شهید در اهواز

شانزدهم آذر سال ۱۳۳۲ سه گل سرخ از گلستان همیشه‌بهار خلق، بدست دزخیسان شاه امریکایی بر سر شدند. خاطره این سه دانشجوی شهید، بزرگ‌نیا، شریعت رضوی از حزب توده ایران و قندچی از جبهه ملی ایران را بزرگ می‌داریم.

محل برگزاری: آمفی تئاتر دانشگاه علوم اهواز.

تاریخ: ساعت ۴ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱۵

در این مراسم رفیق دکتر **هاشم بنی‌طرفی** عضو پرسابقه حزب توده ایران و یکی از فاتحین شکنجه‌گاه‌های آریامهری و رفیق **مهدی کیهان** عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، سخنرانی خواهند کرد.

دانشجویان هوادار حزب توده ایران اهواز

نامه‌زیر به دفتر «مردم» رسیده است:

مسلمانان مبارز به حقانیت مبارزه و درستی سیاست حزب توده ایران پی‌می‌برند

برادران عزیزم!

من بعنوان یک کثیر دانشجوی مسلمان، تاملتی پیش‌کلماتی مانند حزب توده، شوروی و کشورهای کمونیست را که می‌شنیدم، مفهوم تیره‌وتاری مانند خیانت، اجنبی‌پرستی، خفتان، دیکتاتوری، دیوارهای آهنین، دشمنان آزادی و مسلمانان و اسلام فوری به فکرم میرسید. علتش را هم آن‌آنها میدانم، که تبلیغات رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و بعضی گروه‌های سیاسی بوده. ولی از موقعی که تصمیم گرفتم حرف‌ها را همین‌طوری قبول نکنم و دنبال سند و مدرک آنها بگردم، خیلی از حقایق و همچنین دروغ‌های پشیمانانه برخی گروه‌های سیاسی و مطبوعات و رسانه‌های وابسته به سرمایه داری برایم آشکار شد.

حال به انسانهای بزرگی که در دامان حزب توده ایران پرورش یافته و خود را فدای راه انسانیت و خلق ساختند، سر تنظیم فرود می‌آورم و رهنمودها و پیش‌سیاسی حزب توده ایران را واقع‌بین‌ترین و محکم‌ترین راهنما برای نبرد طبقاتی زحمتکشان میدانم، که برای من و دوستانم تحسین‌انگیز بوده. احزاب و کشورهای کمونیست متحداً کشور شوروی را بزرگترین و بهترین دوستان کشور و ملت انقلابی ایران و همچنین بهترین پشتیبان جنبشهای آزادیبخش میدانم.

پادروهای فراوان به رهبران صدیق حزب توده ایران مبلغ ناچیزی از پس‌انداز حقوقم را تقدیم راه در جست‌جا، که همان راه اسلام واقعی است، میکنم.

پاسداران صدیق انقلاب یاران وفادار انقلاب

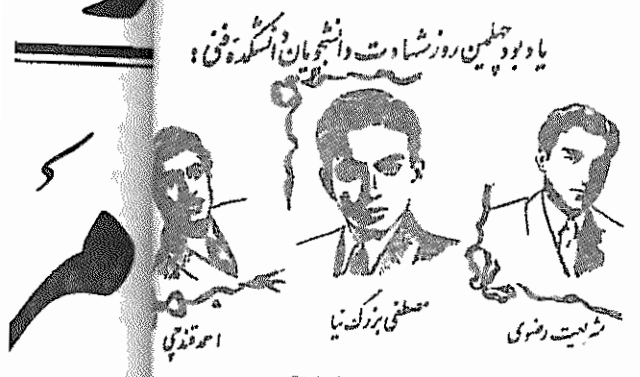
پاسداران انقلاب در پخش اعلامیه‌های حزب توده ایران در مورد همه پرس‌پرسی قانون اساسی به اعضای حزب توده ایران کمک کردند

اعلامیه این مائولیت‌های آمریکایی را بکنید و اعلامیه حزب توده ایران را، که در مسیر انقلاب است، به دیوارها بچسبانید.

جلاط بالا گفته یک پاسدار کمیته مرکزی به چند تن از اعضاء حزب توده ایران است، که در تمام طول شب اعلامیه‌های حزب توده ایران را در مورد شرکت در همه پرس‌پرسی قانون اساسی به دیوارها می‌چسبانند.

رفقای ما در نقاط مختلف تهران با استقبال بسیار گرم و برادرانه پاسداران انقلاب روپرو شدند و حتی به آن‌ها کمک شد تا اعلامیه‌های بیشتری بر دیوارها بچسبانند.

متأسفانه استثناء هم وجود داشت. در محدوده کمیته منطقه ۹، پاسداری از نصب اعلامیه‌های حزب ما جلوگیری به عمل آورد و کار دوستان ما به کمیته مرکزی انقلاب کشید. ولی در این کمیته با محبت بسیار پادروستان ما روپرو شدند و به آن‌ها اجازه دادند که در منطقه ۹ هم اعلامیه بچسبانند. ضمناً به پاسدار منطقه ۹ نیز توضیح داده شد که حق جلوگیری از نصب اعلامیه را نداشته است.



یادسه شهید دانشجو و یمناسبت چهلمین روز شهادت آنها عکس فوق در ۱۳۳۲ انتشار یافت.

دوستان مصطفی بزرگ‌نیا از زندگی و رزم او سخن می‌گویند:

اولین کسی که با شلیک دشمن بخورد غلتید مصطفی بود

صبح روز شانزدهم آذر مصطفی بزرگ‌نیا را در دانشگاه دیدم، او گفت: توده‌ای‌ها همه دیوارها را با شکار مورگ بر شاه پر کرده‌اند. به دستهایش نگاه کردم، گچی بود.

مصطفی بزرگ‌نیا، انسان آزاده و آزادمندی بود. در راه ایران، حزب، حزب توده ایران، و خلقش پای نایستاد و جان برکف به جنگ با دشمنان خون‌آلود برخاست که می‌خواستند با خون او شمار جانانگی خویش بوزمان حک کنند، اما آنچه حک شد نام بزرگ‌نیا بود که به همواره رفیقانش صادقانه پای در راه نهاد و با خود سنگرش راه آزادی را رنگ زد.

در طول سال‌های اختناق بردن نام مصطفی بزرگ‌نیا یاد کردن از او، چون همه شهیدای راه آزادی ایران متنوع هر چند او در یاد توده‌های خروشید، اینک به برکت انقلاب ضد امپریالیسم خلقی میهن‌مان فرصت بزرگداشت او را یافته‌ایم، در فرصت باقی چند از یادان بزرگ‌نیا گفت‌وگو کرده است.

یکی از دوستان نزدیک او در مورد وی به گفتن این نکته کرد که، «مصطفی انسان بود، میهن‌پرست بود، توده‌ای بود، و دوست دیگری گفت: «مصطفی با اینکه از خانواده مبارز بود، لحظه‌ای از فکر ناپسان‌ی‌های اجتماعی غافل نبود و در مبارزه نایستاد. او که عضو سازمان جوانان حزب توده ایران به راه خود و حزبی ایمان داشت و با ایثار جان، پای اعتقاد مهر و وفاداری زده.

مهرمزد دیگری خاطرات خود را از مصطفی و روز آذر چنین بازگو میکند:

صبح روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ که بیشتر دانشجویان دانشگاه تهران به سبب حضور کاندیدا در دانشگاه روزتلی را آغاز کردند و چهره یکایک آن‌ها درم بود، مصطفی را اندور دیدم می‌آمد، لبخند بر لب و شاد. به من که رسید گفت: به دیوار ساخ ستاد زاندارم می‌دمیدان نوشته‌اند: «مرگ بر شاه». من دستم گچی او را دیدم و در چشمش «مرگ بر شاه» را خواندم شب حزب توده ایران شمارمگ بر شاه داده بود و اعضاء سازمان جوان حزب توده ایران در دیوارها را با این شمار پر کرده بودند.

مصطفی گفت: شمارها را حاضر فایب کردم، همه حاضر بود با هم به کلاس رفتیم. ما از پنجره‌ها کوما ندوها را، که در دانشگاه را قرق کرده بودند، نگاه می‌کردیم، آن‌ها به مسلسل خودکار مجهز بودند و درست مثل میدان متفق در دانشگاه قد می‌کردند. مصطفی خونرد می‌گفت، یا نکی یا نکی گویم، یا ن از کشور ما بروا دیگران باقی‌اقت‌های عیوس و عصبانی بحث‌میکرد و صحبت بر سر این بود که به اتفاق استادان به این عمل اعتراض شود.

زنك دوم همه بر کلاس‌ها رفتیم و استاد مشغول درس داد شد. در این هنگام دوس‌باز با اتفاق یک افسر و یکی از مستخدم دانشگاه وارد کلاس شدند و نظر از دانشجویان را بسزور و ضربات مشت‌ولنگ از کلاس بیرون بردند، با این کار سکوت مرگبار بر کلاس حاکم شد. اما سکوت زیاد طول نکشید و بچه‌ها از کلاس بیرون ریختند و جومتنشی بوجود آمد. بالاخره تصمیم گرفتیم بر جلوگیری از برون‌ریزیک‌حاده‌دیگر، دانشگاه را ترک کنیم. اما کوما ندوها ورود و خروج دانشگاه را بستند. من و مصطفی جلودر خروجی راه بردیم، که متوقف شدیم. در این موقع یکی از بچه‌ها فریاد زد: «دزخیان از دانشگاه کوتاه» دو این آغاز ماجرا بود. پس‌از آن دستورس کوبی داشتند، گویی فرمان آتش شنیدند، چون بلافاصله روی ماتیر اندازی کردند. اولین کسی که افتاد، مصطفی بود چه به باشد. کف دانشگاه را خون پر کرده بود بچه‌ها زخمی این طرف افتاده بودند صدای تیراندازی قطع نمی‌شد و افسران لحظه هم فحش‌دادن را فراموش نمی‌کردند...

و چنین بود که دانشگاه به پای آزادی قربان داد. از آن به بعد روز ۱۶ آذر، روز حرکت و عصیان شد، روز جوشش آژان از خون، خون مصطفی‌ها، ایرانی‌ها، توده‌ای‌ها.

آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد